

تذکر این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین علیهم السلام
بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام
گردیده است

استفتائات پزشکی

نویسنده: مطابق با فتوای آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی

مسائل مربوط به تشخیص و درمان

س 1 - اگر تشخیص بیماری به درستی صورت گیرد ولی داروی مؤثر در دسترس نباشد و یا بسیار گران باشد و بیمار قادر به تهیه آن نباشد ، آیا پزشک معالج ملزم به تهیه آن دارو به هر طریق ممکن برای بیمار می باشد ؟

ج 1 - اگر جان بیمار در معرض تلف باشد بر هر کس متمکن باشد بطور واجب کفائی تهیه دارو برای او واجب است . والله العالم

س 2 - اگر پزشک بنا به اصرار بیمار ، دارویی تجویز نماید و یا سایر اقدامات درمانی که مضر است انجام دهد ، در صورت ایجاد عارضه ، مسئول کیست ؟

ج 2 - با علم باینکه مضر است و مفید فائده اهمی نیست جائز نمی باشد .
والله العالم

س 3 - با توجه به اینکه ممکن است جان بیمار به طور اورژانس (فوری) در خطر باشد و زمانی جهت تعیین حساسیت فرد به دارویی خاص وجود نداشته باشد ، اگر با تجویز دارو ، بیمار به آن حساسیت پیدا کرده دچار عوارض شدید و یا مرگ شود ، آیا پزشک معالج در قبال این عوارض مسئولیتی خواهد داشت ؟

ج 3 - اگر جان بیمار در معرض خطر و دادن دارو هر چند موجب عوارض شدید است لکن موجب نجات جان بیمار باشد تجویز دارو جایز است و عرفاً معالجه بیمار شمرده می شود ، ولی اگر در تجویز دارو نیز احتمال خطر جانی

وجود دارد در صورتی که احتمال آن عقلائی و مورد اعتناء و بهبود بیمار بدون آن دارو محتمل باشد تجویز دارو جائز نیست ولی اگر خطر جانی برای بیمار در صورت ترک تجویز دارو قطعی و فوری و خطر ناشی از تجویز دارو مثل مفید واقع شدن آن محتمل است در این صورت خوردن دارو به قصد معالجه عقلائی جائز است ولی پزشک باید به بیمار یا اولیای آنها بگوید . والله العالم

س 4 - اگر با توجه به علوم امروزی ، امکان تعیین حساسیت یک دارو وجود نداشته باشد ، آیا پزشک ، در صورت ایجاد عارضه مسئول است ؟

ج 4 - اگر مرض خطر جانی نداشته باشد و تجویز دارو احتمالاً خطر جانی داشته باشد تجویز آن جائز نیست و اگر پزشک به بیمار جریان را بگوید و بیمار خودش از داروها در این صورت استفاده کند پزشک مسئول نیست هر چند خود بیمار مسئول است و اگر بیماری خطر جانی یقینی فوری داشته باشد و خطر آن در دارو احتمالی باشد با وجود اینکه احتمال تأثیر دارو در علاج معتنی به باشد و دارو منحصر به آن باشد ظاهراً عقلاً اقدام میکنند و از مصادیق القاء در تهلکه شمرده نمی شود ولی پزشک باید به بیمار بگوید که خودش اقدام کند . والله العالم

همچنین خواهشمند است بفرمایید :

س 5 - بطور کلی - با توجه به علوم امروزی - اگر بدانیم یا احتمال بدهیم که نجات جان بیمار وابسته به مصرف داروهای خاصی می باشد که مضرند - و این مضرات به احتمال قوی برای همگان رخ خواهد داد - و با تجویز پزشک ، شخص دچار یک یا چند مورد از این عوارض شود ، آیا پزشک مسئول است ؟

ج 5 - اگر بیمار هم آگاه از این جریان و راضی به اقدام باشد و در معالجه بیمار الاهی فالاهمّ و دفع افسد به فاسد رعایت شود ظاهراً اشکالی نیست . والله العالم

س 6 - اگر پزشک به خاطر فراموشی انواع و علائم بیماری ها - به خاطر گستردگی موضوع ، بیماری شخص را تشخیص ندهد ولذا نداند داروی مناسب چیست و در نتیجه اصلاً دارویی تجویز نکند در صورتی که بیماری تشدید و یا منجر به مرگ گردد ، این پزشک در چه حدی مسئول است ؟ (در صورتی که امکان از ارجاع به متخصص دیگری هم نباشد) .

ج 6 - در فرض سؤال که پزشک بیماری را تشخیص نمی دهد تکلیفی نسبت به تجویز دارو ندارد هر چند منجر بمرگ بیمار گردد بلی چنانچه احتمال تأثیر دارویی را بدهد و یقین بعدم ضرر آن داشته باشد اقدام لازم است . والله العالم

س 7 - اگر فرصت و امکان آزمایش ، وجود داشته باشد اما به دلایل دیگری همانند : هزینه ای که به بیمار تحمیل می شود (و احیاناً وی حاضر نیست) امکاناتی که برای ما وجود ندارد و یا وقتی که از بیمار می گیرد ، آزمایشات لازم صورت نگیرد و شخص دچار عارضه نیز بگردد ، در این صورت آیا پزشک مسئول است ؟

ج 7 - با وجود فرصت و امکان آزمایش لازم بدون آن اقدام به معالجه و نوشتن نسخه جایز نیست . والله العالم

س 8 - اگر دارویی یا داروهائی ، نه برای نجات جان بیمار بلکه جهت تسکین و مداوای درد که باعث آزار بیمار می شوند همانند تب ، خارش ، درد ، زخم و مصرف شوند و بدانیم یا احتمال دهیم که این داروها مؤثرند و با توجه به اینکه اکثر داروهای مؤثر ، در کوتاه یا دراز مدت دارای عوارض زیادی می باشند ، در صورت تجویز پزشک و ایجاد عارضه که گاهی بدتر از بیماری اولیه می باشد ، آیا پزشک مسئولیتی به عهده خواهد داشت ؟ (لازم به ذکر است شایع ترین و بیشترین تجویز دارو در چنین مواردی صورت می گیرد و لذا اهمیت فراوانی دارد). 2.

ج 8 - اگر معالجه بر آن صدق کند و ضرر اهم و بیشتر به ضرر مهم و کمتر دفع شود جائز است ولی باید بیمار از این وضعیت یا سابقه قبلی داشته باشد یا به او اعلام شود و اگر درمان بوسیله خود پزشک انجام میگیرد باید از بیمار نسبت به عوارض احتمالی یا یقینی برائت بگیرد . والله العالم

س 9 - در صورتی که داروهای کاملاً مؤثر به هر علتی در دسترس نباشند ، آیا پزشک می تواند داروهایی را که احتمال می دهد مؤثر باشند تجویز کند ؟ در صورت عدم موفقیت ، آیا پزشک در قبال عوارض احتمالی این داروها و یا هزینه بیهوده ای که بر بیمار تحمیل شده مسئول و مدیون است ؟

ج 9 - با اعلام به بیمار پزشک مسئولیتی ندارد . والله العالم

س 10 - با توجه به گستردگی بسیار زیاد علوم پزشکی که واقعاً امکان فراگیری و همراه با آن به خاطر سپردن تمامی بیماریها و تمامی داروهایی که بر همه بیماریها مؤثرند و نیز عوارض آنها ، وجود ندارد ، اگر پزشک به خاطر

فراموشی ، بنا به حدس خود ، چه در موارد اورژانس ، جهت نجات جان و یا تسکین آلام بیمار ، سهواً اقدام به تجویز دارویی غیر مؤثر بر بیماری کند که بیمار را متحمل هزینه بیهوده و یا عوارض جانبی کند ، در این صورت آیا پزشک مسئول و مدیون است ؟ (در صورتی که امکان ارجاع به متخصص دیگری هم نباشد) .

ج 10 - در این صورت پزشک مسئول است مگر اینکه قبلاً از بیمار نسبت به عوارض غیر مستند به تقصیر برائت گرفته باشد ولی با احتمال تأثیر دارو اگر احتمال خطر جانی در استفاده از آن نیست در صورتی که به پزشک دیگر هم دسترسی نداشته باشد تجویز دارو و نیز عمل به دستور پزشک لازم است . والله العالم

س 11 - اگر بدانیم یا احتمال بدهیم یک بیمار در اثر بیماری مثل برخی سرطانها به زودی خواهد مُرد ، آیا مجازیم فقط برای افزایش طول عمر وی هر چند به مدت کوتاه روشهای درمانی خطرناک و بسیار پر عارضه مثل شیمی درمانی که گاهی عوارض آن شدیدتر از بیماری اولیه است را برای وی تجویز کنیم ؟

ج 11 - اگر با وجود عوارض شدیدتر موجب نجات او از مرگ سریعتر می شود معالجه لازم است و ظاهراً معالجه عرفی او همین روش است . والله العالم

س 12 - اگر به خاطر کمبود امکانات تشخیصی کافی ، تشخیص ممکن نگردد و مداوای لازم صورت نگیرد و بیماری تشدید یا منجر به مرگ شود ، آیا پزشک معالج مسئول است ؟

ج 12 - با فرض اینکه پزشک عاجز از تشخیص مرض و علاج لازم است مانند دیگران مسئولیتی ندارد بلی اگر احتمال میدهد درمانی مفید باشد و یقین به عدم ضرر آن داشته باشد جائز است و در این صورت صورت بخود بیمار اعلام کند که مغرور نشود . والله العالم

س 13 - گاهی اوقات مثل برخی عفونت های نه چندان مهم پزشک جهت تسریع بهبودی بیماری یا اطمینان از این که داروی تجویزی وی بسیار قوی است و در مورد خیلی از عفونت ها می تواند مؤثر باشد و یا به خاطر این که از هزینه درمان بیمار و مراجعات مکرر وی بکاهد ، اقدام به تجویز داروهایی می کند که ضررهای آنها کاملاً شدید بوده و به اثبات رسیده است و این در حالی است که شاید بتوان از طریق داروهای دیگری که ضرر بسیار کمتری دارند ولی ممکن است با عدم اطمینان کامل و هزینه زیادتر همراه باشند بیمار را معالجه نمود ، با چنین فرضی ، بهترین کار چیست؟ انتخاب راه سریع و پر خطر یا راه کم خطر و احیاناً نامؤثر .

ج 13 - در فرض سؤال جهت انتخاب یکی از دو راه ، باید با خود بیمار مشورت نماید و طبق نظر بیمار ، عمل نماید و همانطور که مکرراً بیان شد در هر کجا که باید شخصاً اقدام کند از بیمار برائت از مسئولیت بگیرد . والله العالم

س 14 - در برخی بیماری ها همانند فشارخون بالا ، به علت عوامل ناشناخته ایجاد کننده آن ، طبق روش معمول که اجرای آن طبق علوم روز ضروری است ، یک یا چند دارو بکار برده می شود و در صورت عدم تأثیر ، داروهای دیگری بکار برده می شود ، الی آخر .

باتوجه به اینکه این داروها از یک طرف در افراد مختلف همگی مؤثر نیستند و ممکن است در شخصی، درمانهای اولیه و در شخص دیگری درمانهای آخر مؤثر باشند و از طرف دیگر، هر یک از داروها دارای عوارض خاصی هستند، آیا پزشک معالج که در حقیقت داروهای مختلف را به ترتیب در مورد بیمار آزمایش می کند در قبال هزینه اضافه یا عوارض داروها مسئول است؟

ج 14 - اگر معالجه به غیر اینصورت امکان پذیر نیست و علاج علمی و عرفی آن همین روش است پزشک مسئول نیست بشرط اینکه چگونگی را به خود بیمار اعلام کند تا خود او با علم و اطلاع از داروی تجویز شده استفاده کند . والله العالم

س 15 - اگر پزشک دارو یا روش تشخیصی را که در حال حاضر کاملاً غیر مضر شناخته شده به خانم بار داری توصیه کند، اما بعداً مشخص گردد این اعمال برای مادریا جنین کاملاً مضر بوده اند همانطور که این مورد در تاریخ پزشکی رخ داده است، آیا پزشک در قبال عوارض حاصله از این موارد، مسئولیتی بعهده خواهد داشت؟

ج 15 - مسئولیت تکلیفی ندارد و با اعلام نظر خود به بیمار وعدم مباشرت ، ضمانی هم بر عهده او نیست . والله العالم

س 16 - اگر پزشک با توجه به گستردگی موضوع نداند و یا فراموش کرده باشد که دارو ویا روش تشخیصی وی برای خانم های باردار یا شیرده مضر است ، مسئولیت پزشک در صورت ایجاد عارضه در جنین یا مادر در چه حدّ است ؟

ج 16 - نسبت به عوارضی که برای بیمار بدون تقصیر پزشک پیش می آید گرفتن برائت از بیمار یا ولی او کافی است ولی نسبت به عوارضی که ممکن است برای جنین پیش بیاید قبول ضمان آن از طرف ولی محلّ تأمل است . والله العالم

س 17 - به طور کلی آیا جواب منفی خانم بیمار در مورد پرسش پزشک از حاملگی وی چه خود بداند باردار است و به هر علتی نگوید و چه نداند که باردار است از پزشک معالج در قبال عوارض احتمالی ، رفع مسئولیت می کند ؟
ج 17 - ظاهراً جواب منفی او کافیتست اگر سؤال هم نکند و به بیمار اعلام کند که دارو برای بارداری مضر است کافی است . والله العالم

س 18 - اگر پزشک از بارداری بیمار سؤال نکند و وی هم متذکر نشود ، مسئولیت عوارض احتمالی به عهده کیست ؟
ج 18 - اگر معمول است که دکتر سؤال کند و غفلت کرده ظاهراً دیه بر عهده پزشک است . والله العالم

س 19 - گاهی اوقات مطمئن هستیم که یک بیماری ، بیمار را نهایتاً بزودی خواهد کُشت ، از طرفی می دانیم که با یک عمل درمانی مثل جراحی ممکن است یا بیمار بهبودی نسبی و احتمالی پیدا کند و یا حتی زودتر از موعد از دنیا برود ، وظیفه ما در چنین حالتی چیست ؟ اگر با این کار به تسریع مرگ بیمار کمک کنیم ، آیا مدیون نیستیم ؟ همچنین اگر اقدام به درمان نکنیم ، مسئول نیستیم ؟ با توجه به اینکه گاهی نتیجه کار کاملاً نامشخص است .

ج 19 - اگر احتمال خطر ان معتنی به نباشد و عرفاً روشی که بکار گرفته می شود معالجه شمرده شود و بیمار با سلب مسئولیت از پزشک موافقت کند در صورت عمل جراحی و وقوع هر گونه عارضه پزشک مسئولیتی نخواهد داشت و در صورتیکه بیمار با جراحی موافقت کرده است و براءت داده خودداری از معالجه جائز نیست . والله العالم

س 20 - گاهی اوقات ، پزشک تنها جهت احتیاط و مطمئن شدن در جهت تشخیص و یا ردّ یک بیماری احتمالی مثل سل در هر بیمار مشکوکی - باهر علامت غیر اختصاصی - دستور رادیو گرافی می دهد ، تا یک بیماری مخفی احتمالی را کشف کند ، در صورت وجود یا عدم وجود هر گونه بیماری (که احتیاج به رادیوگرافی دارد) ، آیا پزشک در ایجاد عوارض احتمالی و هزینه بیهوده درمان مسئول است ؟

ج 20 - اگر روش درمان معالجه منحصر به این کیفیت باشد باقیودی که در جواب قبلی ذکر شد اشکالی ندارد . الله العالم

س 21 - با توجه به اینکه تشخیص بسیاری بیماری ها یا اختلالات به وسیله آزمایش امکان پذیر است و از طرفی امکان اشتباه در آزمایشگاه و تفسیر آزمایش ها ، همیشه وجود دارد ، در صورت اشتباه آزمایشگاه و در نتیجه معالجه اشتباه پزشک ، مسئول خسارات و عوارض احتمالی کیست ؟

ج 21 - این مسئله دو فرض دارد یکی بر اساس اینکه آزمایشگاهها چنان کامل نیستند که همیشه نتیجه واقعی را بدهند بلکه گاه در اثر بعض عوامل و اختلالات غیر قابل کنترل وعبارة اخری بجهت کامل نبودن این صنعت نتیجه

صحیح از آنها گرفته نمی شود در این صورت چون در عرف پزشکی و معالجه بر آن اعتماد می شود و پزشک راه مطمئن تر در اختیار ندارد دادن نسخه به بیمار با اعلام این روش درمانی خالی از اشکال است ولی اگر پزشک شخصاً درمان را انجام می دهد از بیمار برائت از مسئولیت بگیرد و فرض دوّم بر اساس اشتباه مسوول آزمایشگاه یا پزشک معالج است که در این فرض مسوول آزمایشگاه اگر اشتباه مستند به او باشد و الاً پزشک ضامن خواهد بود مگر اینکه از بیمار نسبت به عوارض غیر مستند به مسامحه و تقصیر برائت گرفته باشند . والله العالم

س 22 - با توجه به این که بارداری ، در هفته های اول ، از روی ظواهر و گاه با روشهای ساده چندان قابل تشخیص نیست و از طرفی بیشترین عوارض خطرناک روشهای درمانی - تشخیص مضر ، در همین زمان آن هم به صورت اختلالات شدید در جنین رخ می دهد و بدین ترتیب چون یا به خاطر کمبود امکانات یا عدم فرصت کافی یا عدم تمایل بیمار به صرف هزینه های تشخیص بارداری ، یا عدم اطلاع وی از بارداری خود و در نتیجه جواب منفی دادن وی در مورد پرسش پزشک از بارداری وی و حتی گاهی عدم امکان تشخیص به وسیله روش های مدرن به خاطر جواب های منفی کاذب آزمایشات ، پزشک نمی تواند تشخیص دهد و یا نمی داند که بیمار با دار است ، روشهای تشخیصی درمانی مختلف را برای وی به کار می گیرد حال در صورت ایجاد عارضه در مادر یا جنین ، آیا پزشک معالج مسئول است ؟

ج 22 - باید پزشک در موارد احتمال بارداری احتیاط کند و داروهای مضر را تجویز نکند و یا اینکه بیمار را از عوارض سوء آن برای خودش یا جنین مطلع سازد و در این صورت وظیفه بیمار است که با احتمال عقلائی بارداری

رعایت احتیاط نماید و از آن دارو استفاده ننماید و اگر استفاده کرد خودش
ضامن دیه است . والله العالم

س 23 - اگر پزشک روش یا دارویی را تعریف کند و بگوید این دارو برای
فلان بیماری مفید است و یا بگوید درمان ، مترتب به فلان دارو است بدون آن
که بیمار را وادار به مصرف آن دارو کند ، در این حالت آیا در صورت عدم
تأثیر یا عوارض دارو ، پزشک مسئول یامدیون است؟

ج 23 - پزشک در این صورت مسئول ومدیون نیست . والله العالم

س 24 - در بسیاری بیماری ها و اختلالات جسمانی ، پزشک دستور انجام
رادیو گرافی ، سی تی اسکن و می دهد که مطمئناً به خصوص برای
برخی افراد مضر می باشند ، ضمناً در خیلی از موارد ، گرچه گاهی ممکن است
این آزمایشات باعث تشخیص قطعی نشوند اما می توانند همیشه کمک کننده
باشند ، به هر حال در فرض فوق ، مسئولیت پزشک در صورت ایجاد عوارض
آزمایشها تاچه حدی است ؟

ج 24 - در صورتیکه روش معالجه بیماری به غیر از این طریق نباشد
وبیمار هم آگاه از این وضع باشد و خود را برای رادیوگرافی و سی تی اسکن در
اختیار پزشک قرار میدهد و در معالجه روش الاهم فالاهم و دفع افسد به فاسد
ملاحظه میشود اشکال ندارد . والله العالم

س 25 - یک سؤال مهم و اساسی مطرح است که :

بطور کلی ودر تمامی روش های تشخیصی ودرمانی ، اگر پزشک قبل از انجام هر عملی ، به بیمار خود ویا ولی او - اگر بیمار بالغ یا عاقل نباشد - متذکر شود که این روش ها از یک طرف ممکن است بی فایده باشند - و وقت و مال او را به هدر دهند - و از طرف دیگر ممکن است عوارض متفاوتی برای او داشته باشند ، و بدین ترتیب با ذکر این مطلب پزشک ، قبل از هر گونه معاینه و دستور روش های تشخیصی و درمانی و تجویز دارو از خود کاملاً در قبال خسارات و عوارض احتمالی سلب مسئولیت کند و بیمار چه از روی ناچاری و چه از روی تمایل و یا به ظاهر از روی تمایل ، این شرط را قبول نماید ، آنگاه در صورت اشتباه

سهوی پزشک ، هزینه های بیهوده ، بی فایده بودن و یا عوارض ناشی از روش های تشخیصی و درمانی ، آیا پزشک مسئول است ؟ در صورتی که وی حداکثر تلاش خود را نیز بکند.

ج 25 - اگر بی فایده شدن درمانها مستند به روش درمان معمول باشد و همچنین عوارضی که پیدا شده است مستند به آن باشد که علی الفرض پزشک احتمال آن را به بیمار تذکر داده است پزشک مسئولیتی ندارد ولی اگر در اثر اشتباه پزشک عوارضی ناشی شده باشد پزشک طبق ضوابط شرعی مسئول است مثلاً اگر نسخه را عوضی نوشته باشد مسئول خسارت بیمار است مگر آنکه پزشک قبلاً برائت خود را از عوارضی که مستند به تقصیر نیست گرفته باشد . والله العالم

س 26 - در فرض مسأله فوق (25) آیا باید با تک تک بیماران شرط نمود و با امضای پرسشنامه مربوطه و یا گذاشتن اطلاعیه در مراکز درمانی مبنی بر

این که مراجعه بیماران نشانگر قبول این شرایط است و با به اطلاع رساندن حتی از طریق رسانه های گروهی که - مراجعه شما نزد پزشک به این شرایط ، مترتب است ، از پزشک رفع مسئولیت شرعی می نماید ؟ به طور مثال اگر قبل از عمل جراحی ، بیمار مجبور به امضای شرایطی باشد که در صورت هر گونه ناموفق بودن جراحی ، وی هیچ گونه حق و حقوقی بر جراح و بیمارستان ندارد ، آیا در صورت هر گونه اختلال در جراحی ، می توان مدعی شد با توجه به امضاء قبلی بیمار ، کادر درمانی هیچ مسئولیت شرعی بر عهده ندارند ؟

ج 26 - معیار در انجام این برنامه اطلاع هر یک از بیماران است به هر کیفیت که مطلع شوند . والله العالم

س 27 - در فرض مسأله (25) اگر بیمار ، کاملاً بیهوش باشد و در حال حاضر هیچ شخص بالغ یا نابالغ که خویشاوند وی باشد نیز در دسترس نباشد و از طرفی جان بیمار در خطر فوری باشد ، جهت اجازه و شرط چه باید کرد ؟ آیا می توان طبق وظیفه پزشکی هر گونه اقدام ممکن را بدون اجازه انجام داد ؟ اگر سهواً با اقدامات غیر مؤثر به مرگ بیمار تسریع بخشیده شود مسئولیتی بر گردن پزشک معالج خواهد بود ؟ و اگر به خاطر خوف از عدم تأثیر درمان و کمک به تسریع مرگ و مدیون شدن ، پزشک هیچ کاری انجام ندهد آیا در این صورت پزشک مسئول خواهد بود ؟ زیرا مشاهده شده است گاهی اجل شخصی فرا رسیده ولی علت مرگ را به غلط به پزشک معالج وی نسبت می دهند؟

ج 27 - در این صورت پزشک باید آنچه در توان دارد برای نجات جان بیمار انجام دهد و اگر بدون تقصیر پزشک عارضه ای برای بیمار پیش آمد بحکم قاعده احسان ضمانی بر پزشک نیست و بطور کلی در هر مورد استناد

عارضه یا مرگ بیمار به پزشک مشکوک باشد و اثبات نشود حکم به ضمان
پزشک نمی شود . والله العالم

س 28 - در فرض مسأله (24 و 25) اگر بیمار یا ولیّ او ، شرط را قبول
نکردند ، آیا پزشک می تواند بیمار را رها نماید ؟
ج 28 - پزشک غیر از اعلام نظر خود و بیان راه درمان که در این دو فرض
انجام داده وظیفه ای ندارد . والله العالم

س 29 - در فرض مسأله (24 و 25) اگر بیمار ، کاملاً بیهوش باشد آیا می
توان از خویشان بالغ وی اجازه گرفته و یا با آنها شروط فوق را انعقاد نمود؟
ج 29 - احتیاط این است که مدیر داخلی بیمارستانها از حاکم شرع اجازه
داشته باشند که در مورد این بیمارها به مصلحت آنها عمل کنند و بهتر اینست که
از خویشاوندان همراه بیمار هم اذن بگیرند علاوه بر این خود پزشک هم ممکن
است بطور کلی از حاکم شرع برای این موارد اذن بگیرد . والله العالم

س 30 - یک نکته و سؤال مهم در مورد کشفیات جدید علوم پزشکی می
باشد . هر سال ، ماه و یا حتی هر روزه ، کشفیات و یا نتایج تحقیقات جدیدی در
مورد جنبه های مختلف علوم پزشکی اعلام می شود که روش های تشخیصی یا
درمانی جدید ، داروهای متفاوت و جدید یا مواد غذایی مؤثر جدید برای انواع
بیماری ها پیشنهاد می شود و بر عکس ، برخی روش ها یا داروها یا مواد قبلی
کاملاً غیر مؤثر ، مضر و بی فایده معرفی می شوند . آیا پزشک در قبال عوارض
یا هزینه های بیهوده ناشی از روش هایی که در گذشته مطرح بوده اند ، اما

کسی نمی دانسته که آنها مضر یا بی فایده اند ولی همین روش ها امروزه بی فایده یا مضر شناخته شده اند مسئول می باشد؟

ج 30 - ظاهراً مسئولیتی ندارد چون بیمار به او مراجعه کرده که با روش متداول او را درمان نماید ولی اگر پزشک شخصا وبالمباشره عمل میکند مثل اینکه بیمار را تحت عمل جراحی قرار می دهد باید برائت خود را از هر عارضه که مستند به تقصیر او نباشد از بیمار یا ولی او بگیرد . والله العالم

س 31 - اگر این کشفیات جدید خیلی دیرتر از زمان کشف به اطلاع پزشک برسند و قبل از اطلاع ، طبیعتاً به همان روش های قبلی عمل شود آنگاه آیا پزشک در قبال عوارض یا هزینه های بیهوده روش های بی فایده مسئول است ؟

ج 31 - ظاهراً پزشک مسئول نیست مگر اینکه در کسب اطلاع لازم از کشفیات جدید مسامحه کرده باشد . والله العالم

س 32 - نظر به این که ، به خاطر سپردن کامل همان روش های قبلی نیز در دوران دانشجویی امکان پذیر نیست ، چه برسد به روش های جدید ، آیا پزشک می تواند به همان روش های قبلی اکتفا نماید و یا فقط در حدی که وقت محدودش اجازه می دهد به فراگیری آنها پردازد ؟ در این صورت اگر متوجه مسائل مهم جدید نشود آیا مسئولیتی برعهده اوست ؟

ج 32 - پزشک باید بطور متعارف و معمول بین اطباء در جریان تحولات علمی و درمانی قرار داشته باشد . والله العالم

س 33 - اگر به خاطر عدم وجود امکانات کافی اطلاع رسانی ، اطلاعات جدید به پزشک نرسد و وی هیچگاه مطلع نگردد آنگاه مسئولیت بی فایده بودن روش های قبلی برعهده کیست ؟

ج 33 - همین قدر که پزشک طبق روشهای درمانی رایج و رسمی عمل کند ظاهراً مسئولیتی ندارد . والله العالم

س 34 - با توجه به این که گروه های بسیار زیادی در جهان مشغول تحقیق هستند و نتایج کار خود را دائماً اعلام می نمایند و از طرفی افراد این گروه ها ممکن است برخی از لحاظ علمی ، برخی از لحاظ اخلاقی و صداقت و برخی از لحاظ هر دو مورد کاملاً قابل تأیید نباشند به عبارت بهتر هیچ تضمینی نیست که نتیجه اعلام شده تحقیق با واقعیات کاملاً منطبق باشد و از طرف دیگر هیچ مرجع واحدی در مورد تأیید یا ردّ تحقیقات وجود ندارد و یا اگر موجود هم باشد ، مدت زیادی طول می کشد که نتیجه صحیح کار ارائه شود ، در چنین شرایطی اگر نتیجه تحقیقاتی که در رسانه ها و مجلات حتی معتبر اعلام می شود با روش های قبلی ما - که به فایده کامل و قطعی آنها اطمینان نداریم - مغایر باشد و یا مکمل آنها باشد در این صورت وظیفه ما چیست ؟ عمل به روش های قبلی یا جدید ؟

ج 34 - به هرکدام که عرف پزشکی بیشتر اعتماد می نماید ظاهراً باید به آن عمل کرد . والله العالم

س 35 - با توجه به اینکه اگر بخواهیم طبابت پزشک را با توجه به مشکلات فوق و در صورت مواجهه با این مشکلات ، تنها در صورتی مجاز

بدانیم که وی در این زمینه ها دارای تخصص و تجربه کافی باشد عملاً مسائل درمان با اختلال کامل روبرو خواهد شد زیرا اولاً هر پزشکی تا رسیدن به این تخصص و تجربه کافی باید همان مراحل اولیه را طی کند - که همان دوران بدون تجربه و تخصص است - و ثانیاً به علت جمعیت زیاد ، امکانات کم ، فرصت های ناکافی و دهها علل دیگر - حد اقل در کشور ایران - نمی توان انتظار داشت پزشکی که از ابتدا کاملاً مسلط باشند به طبابت بپردازند .

با توجه به مقدمه فوق و موضوعات مطرح شده در کلیه سؤالهای فوق ، مسائل مهمی مطرح می شود که :

الف - در مواردی که پزشکی داروی مؤثر بر بیماری یا عوارض خطرناک آن را فراموش نموده و فرصت و امکانات کافی جهت دسترسی به اطلاعات کافی یا پزشک متخصص دیگری نیز ندارد .

ب - مطمئن است که داروی خاصی برای بیماری مفید است اما همچنین مطمئن است و یا احتمال می دهد که در صورت تجویز آن دارو عوارضی خفیف و یا شدیدتر از خود بیماری و حتی مرگ در اثر این دارو ، گریبان گیر این بیمار خواهد شد . - که البته موارد الف و ب شامل مسائل تشخیصی نیز می باشد ، آیا پزشک در این حالات می تواند مریض را به حال خود بگذارد و چنین فرض کند که : گویا پزشکی موجود نبوده و قضا و قدر الهی هر چه باشد بر او جاری خواهد شد و بدین ترتیب خود را در معرض خطر مؤاخذة مادی و معنوی حاصل از عوارض احتمالی و هزینه های نابجای آن قرار ندهد و کار وی را به خداوند واگذارد که یا خود بهبودی نسبی یابد و فرصت تحقیقات بعدی فراهم گردد و یا به تدریج دچار عوارض شدید و مرگ گردد .

اصولاً در چنین مواردی که پزشک واقعاً نمی داند که برای نجات جان یا رفع و تسکین آلام یک بیمار چه کاری انجام دهد وظیفه او چیست؟ درمانهای بدون اطمینان و غیر قابل اعتماد که ممکن است خود آنها باعث مرگ یا عوارض شدیدتر شوند؟ و یا عدم هر گونه اقدام درمانی؟ آیا اگر پزشک با اقدام به درمان نامطمئن، موجب خسارت و مرگ مریض گردد مسئول است؟ آیا اگر اقدام به هیچ درمانی نکند با توجه به علل و توضیحات فوق، مسئولیتی متوجه اوست؟

این موضوع با توجه به این نکته باید در نظر گرفته شود که گاهی، فرصت هیچ مشورت و ارجاع بیمار به پزشکان متخصص و آگاه دیگری وجود ندارد. در خاتمه جهت روشن شدن موضوع مثالی ذکر می شود: گاهی پزشکی که دارای تجربه کافی نباشد با بیماری در حالت بیهوشی مواجه می شود که نمی داند به طور مثال این بیمار در اثر کمبود یا ازدیاد قند بدنش دچار بیهوشی شده و در حالت، طبیعی است که درمان کاملاً متناقض است و باعث اشتباه پزشکی می شود.

ج 35 - اگر پزشک واقعاً از تشخیص بیماری بیمار و شناختن راه درمان آن عاجز است و نمیتواند طبق اصول فنی داروئی را تجویز نماید وظیفه ای ندارد ولی اگر راههایی برای درمان بنظر او میرسد که میداند مضر نیست و احتمال مفید بودن میدهد باید از آن راهها به درمان بیمار اقدام کند و او را بحال خود وانگذارد والا او و دیگران در تکلیف علی السواء هستند. والله العالم

پی نوشت ها:

1 با توجه به اینکه اگر بخواهیم درمان ما هیچ ضرری نداشته باشد گاهی اصلاً هیچ درمانی نباید انجام دهیم.

2 با توجه به اینکه اگر بخواهیم درمان ما هیچ ضرری نداشته باشد گاهی اصلاً هیچ درمانی نباید انجام دهیم .

مسائل مربوط به هزینه درمان

س 36 - اگر پزشک ، سعی خود را در مداوای بیمار انجام دهد ولی بیمار بهبودی نیابد آیا پزشک نسبت به هزینه درمانی که بیمار قبلاً پرداخته حق ویزیت مدیون است ؟

ج 36 - ظاهراً حق ویزیتی که پزشک دریافت می کند مشروط به بهبودی یافتن بیمار نیست . والله العالم

س 37 - با توجه به این که حق طبابت - همانند حق وکالت و مواردی از این قبیل و بر خلاف اجناس که دارای قیمت خاصی هستند - از لحاظ مادّی ، غیر قابل تعیین می باشد به نظر حضرت عالی بهترین راه تعیین میزان حق طبابت چیست ؟ آیا مقداری که دولت تعیین می کند در هر شرایطی قابل دریافت است و پزشک مدیون نخواهد بود ؟

ج 37 - تعیین اجرت طبابت موکول به تراضی طرفین است اگر خود پزشک مبلغی را تعیین کند او را به کمتر از آن مبلغ نمی توان الزام کرد و اگر حاکم شرع در بعض موارد بر اساس مصالح عامه لازم الاستیفاء مبلغی را معین نمود و پزشک آن مبلغ را حق ویزیت خود قرار داد دریافت آن مبلغ برای او حلال است . والله العالم

س 38 - به نظر حضرت عالی بهترین روش دریافت حق طبابت چگونه است ؟

ج 38 - بر اساس عدم اجحاف و تعیین حق ویزیت مناسب با طبقات کم درآمد ولی در اصل مشروعیت عمل ، تراضی طرفین میزان است . والله العالم

س 39 - آیا دریافت حق طبابت ، قبل از بهبود بیماری طبق روش مرسوم صحیح است ؟

ج 39 - اگر بیمار با پزشک قرارداد کند که مبلغی را در مقابل معالجه و بهبودی اش به او بدهد تا بهبود نیافته آن مبلغ را بدهکار نیست و همچنین اگر برای عمل جراحی مبلغی را معلوم کنند تا آن عمل انجام نشده بیمار چیزی بدهکار نیست و همچنین پزشک برای معاینه و دادن نسخه بعد از انجام آن مستحق اجرت است مگر اینکه در هر یک از این سه مورد ترتیب دیگری را معین کنند ولی اگر بیمار پزشک را برای انجام یکی از این کارها اجیر کند ظاهر اینست که به مجرد وقوع معامله ذمه پزشک مدیون عمل و ذمه بیمار مدیون اجرت می شود . والله العالم

مسائل مربوط به معاینات

با توجه به اینکه معاینه ، تنها شامل اندازه گیری نبض ، حرارت و فشار خون نیست بلکه طبق نظریات علوم پزشکی - در کتاب های نشانه شناسی - باید شامل نگاه ، لمس ، دق ، سمع و نیز معاینات فیزیکی خاص در مورد تمامی اعضا و جوارح که معمولاً از روی لباس امکان پذیر نیست در مورد هر بیماری و در هر شرایطی باشد ، در جهت : تشخیص ساده بسیاری بیماری ها ، عدم تحمیل هزینه های اضافی ناشی از آزمایشات متعدد بر بیمار ، تسریع تشخیص و کاستن از خطرات تشخیص به وسیله راههای دیگر ، و لذا وظیفه پزشکی انجام هریک را ایجاب می کند و در صورت عدم انجام هر یک ، گاه تشخیصی که به راحتی باید صورت گیرد انجام نمی شود و با عدم تشخیص ، بیماری پیشرفت می کند و جان بیمار در معرض خطر قرار می گیرد . و نظر به این که در فتاوی مراجع بزرگوار آمده است که اگر پزشک خانم در دسترس باشد ، جائز نیست بیمار خانم به پزشک مرد مراجعه نماید ، خواهشمند است در موارد زیر ، بفرمایید :

س 40 - اگر بطور مثال بیمار خانمی که جانش در خطر است به تنها پزشک یک روستای دور افتاده که مرد است مراجعه کند آیا این پزشک مجاز است هر گونه معاینه ضروری را در مورد بیمار انجام دهد ؟

ج 40 - بلی با اینکه پزشک زن بطور عادی در دسترس نیست مرد میتواند هرگونه معاینه را که ضرورت داشته باشد انجام دهد . والله العالم

س 41 - در فرض فوق سؤال 40 اگر جان بیمار در خطر نباشد بلکه یک بیماری خفیف یا متوسط وجود داشته باشد آیا بیمار خانم حتماً باید به پزشک خانم در شهر مراجعه کند و یا در همانجا پزشک مرد مجاز است با انجام معاینات ضروری ، اقدام به تشخیص و درمان نماید ؟

ج 41 - اگر بطور عادی و بدون حرج و مشقت رفتن به شهر میسر است باید در شهر به پزشک زن مراجعه نماید . والله العالم

س 42 - در صورت لزوم ، به طور کلی چه پزشک خانم در دسترس باشد و چه نباشد لمس بدن خانم بیمار از روی لباس ، چه صورت دارد ؟

ج 42 - اگر فتنه و تهییج غریزه جنسی نباشد اشکال ندارد . والله العالم

س 43 - ذکر نکته مهمی در اینجا ضروری بنظر می رسد که :

اگر هم با یک سری تمهیدات لازم بتوانیم در سطح کشور ، موفق به جداسازی مراکز درمانی خواهران از برادران بشویم ، با توجه به این که هر پزشکی در طول دوران دانشجویی خود باید هر چند مختصر از انواع و اقسام اختلالات و بیماری ها چه در مورد آقایان و چه خانم ها آگاهی یافته و آموزش ببیند اعم از انجام معاینات کامل ، آگاهی از بیماری های زنان و چگونگی انجام زایمان سالم و با توجه به این که در مورد دانشجویان ، این موارد بیشتر آموزشی هستند تا درمانی ، یعنی ممکن است نجات جان بیمار در همان زمان وابسته به این زمان نباشد اما به وسیله این آموزش که در بیمارستان های آموزشی صورت می گیرد دانشجو برای مراحلی که در آینده زندگی بیماران وابسته به وجود او خواهد بود ، آماده می شود و از این رو هر یک از

دانشجویان در دروه های مختلف ، ملزم و مجبور به گذراندن واحدهای درسی در تمامی بیمارستان اعم از زنان و مردان ، فراگیری تمامی مسائل و امتحان دادن در پایان دوره می باشند تا بتوانند در نهایت فارغ التحصیل موفق باشند .

با در نظر گرفتن تمامی این شرایط ، بفرمایید تکلیف و وظیفه دانشجو چیست ؟ آیا می تواند به خاطر رعایت مسائل شرعی از فراگیری کامل بسیاری مسائل بگذرد و در نتیجه در گذراندن واحدهای درسی هم ناموفق باشد ؟ و یا در هر شرایطی و با هر وسیله ای باید به فراگیری صحیح کارش بپردازد تا در آینده کمتر دچار مشکل شود ؟ و بطور کلی چگونه می توان بین وظیفه پزشکی و دانشجویی که در کتب پزشکی ، بر انجام آنها تأیید شده و وظیفه شرعی و اسلامی که طبیعتاً نباید با وظیفه پزشکی تناقض داشته باشد جمع کرد ؟

ج 43 - با توجه به ضرورت و نیاز مبرم عامه و توقف حفظ نفوس محترمه بر فراگیری بسیاری از امور مذکوره میتوان فراگرفتن این اطلاعات علمی پزشکی را از واجبات کفائیه دانست علیهذا هر چند مستلزم ارتکاب بعض از اعمالی که فی حدّ نفسه و قطع نظر از تزاحم آن با تکلیف اهم محرم است باشد بر اساس قاعده تزاحم ، دفع مفسده اهم به ارتکاب مفسده مهم یا جلب مصلحت اهم به ترک مصلحت مهم ، در همه این موارد که تکالیف شرعی با یکدیگر تزاحم پیدا می کنند ارتکاب اقلّ المحذورین جائز است ولی باید کمال احتیاط ملاحظه شود که از حدّ ضرورت خارج نشود . والله العالم

س 44 - همانطور که مستحضر می باشید تخصص های علوم پزشکی بسیار زیاد است و متخصصین خانم در هر رشته معمولاً در حال حاضر در ایران بجز در برخی رشته ها یا نادر یا کم می باشند فلذا در شهرهای کوچک و بزرگ نیز باید به خاطر تعداد زیاد بیماران و تعداد کم پزشک و یا تحمیل هزینه گزاف ،

همانطور که بسیار شایع است خانم های بیمار به پزشک مرد مراجعه می کنند ، در این صورت وظیفه پزشک مورد مراجعه چیست ؟ آیا اگر بتواند و یا احتمال دهد که می تواند با معاینات مختلف و ضروری بیماری را تشخیص و درمان کند مکلف است چنین کاری را انجام دهد و یا باید وی را به یک پزشک خانم ارجاع دهد ؟ در شرایطی که خیلی از بیماران ، به دلایل فوق قادر به این کار نیستند ، آیا در صورت ارجاع و تأخیر در تشخیص و درمان بیماری وی ، این پزشک مسئول نیست ؟

ج 44 - اگر ارجاع بیمار زن به پزشک زن موجب تأخیر در معالجه و در نتیجه معرض خطر برای بیمار است ارجاع او به پزشک زن در محلّ دیگر جائز نیست و اگر خطری ندارد او را به پزشک زن ارجاع دهد . ولی اگر بتواند بوسیله دستیار زن معاینات لازم را انجام دهد ارجاع لازم نیست . والله العالم

س 45 - در صورت لزوم ، مشاهده و لمس موهای خانم بیمار ، جهت معاینه توسط پزشک مرد چه صورت دارد ؟

ج 45 - در مثل این مورد باید ضرورت هائی که به آن اشاره شد وجود داشته باشد والاّ جائز نیست . والله العالم

س 46 - اگر پزشک مرد ناچاراً مجبور به معاینه خانم بیمار شد و یا بر عکس خانم بیمار ناچار به مراجعه به پزشک مرد شد با توجه به این که در صورت رعایت کامل مسائل شرعی و اخلاقی در معاینه کامل خانم ها شاید بتوان گفت بیش از 90% معاینات که در کتب پزشکی به انجام آنها تأکید شده است باید انجام نگیرد ، اگر با این گونه معاینه سطحی و غیر کامل ، بیماری وی

تشخیص صحیح داده نشد و درمان کامل صورت نگرفت آیا پزشک مسئول است؟ اگر مسئول است چاره چیست؟ آیا باید بر خلاف مسائل شرعی عمل کند؟

تذکر این نکته ضروری است که پزشکان متخصص و مجرب بدون احتیاج به معاینات کامل ممکن است بتوانند تشخیص و درمان انجام دهند اما برای افراد نا مجرب و دانشجویان، تا رسیدن به این مرحله، زمان زیادی لازم است.

ج 46 - اگر پزشکی که در دسترس است منحصر باشد به پزشکی که بدون معاینه کامل نمی تواند بیماری را تشخیص دهد طبعاً معاینه کامل ضرورت دارد و جایز است و بدون معاینه لازم اقدام به معالجه جایز نیست. والله العالم

س 47 - با توجه به این که جهت معاینه ساده پروستات، حتماً باید از طریق مقعد، بیمار را مورد بررسی قرار داد تا تشخیص قطعی بیماری های پروستات داده شود، همچنین در بسیاری بیماری های آلات ادراری - تناسلی، مشاهده و گاه لمس آنها ضروری است، آیا در چنین مواردی پزشک مرد می تواند بیمار مرد را بدون اشکال شرعی معاینه نماید؟ اگر با عدم انجام این معاینه، متوجه بیماری نشود و بیماری مثلاً سرطان پیشرفت کند، آیا پزشک مسئول است؟

با توجه به این که استفاده از آینه، همیشه امکان پذیر نیست و در ضمن عمل لمس را نیز باید با دید کامل با دست انجام داد و از این رو در حال حاضر در تمامی مراکز درمانی این معاینه مستقیماً انجام می شود.

ج 47 - جواز وعدم جواز همه این امور دائر مدار ضرورت وعدم ضرورت و امکان اکتفا به ارتکاب محذور أخف و عدم آن است. والله العالم

س 48 - طبق نظرات علوم پزشکی ، یکی از معایناتی که امروزه در هر بیماری بخصوص در بیماری های ادراری - تناسلی جزو معاینات اصلی اولیه به شمار می آید اگر چه در انجام آن ، متأسفانه یا خوشبختانه مسامحه می شود عملی به نام «توشه رکتال» است - که یک نوع معاینه نظری و لمسی از طریق مقعد می باشد - و از طرفی یکی از دقیقترین روش های تعیین درجه حرارت فرد از طریق مقعد می باشد ، با توجه به این موضوعات و این که این معاینات گاهی به خاطر احتیاط در جهت تشخیص یا رد برخی بیماری ها انجام می شود و گاهی در تشخیص برخی بیماری ها بسیار مؤثر و روش کم خرج و ساده ای به نظر می آید ، آیا پزشک مرد مجاز است چنین معاینه ای را چه جهت آموزش (به وسیله دانشجویان) و چه جهت تشخیص احتمالی یا قطعی در مورد بیمار مرد انجام دهد ؟ و اگر با عدم انجام آن ، متوجه بیماری و راه درمان وی نشود آیا مسئول نیست ؟

ج 48 - با اقتضای ضرورت به مقدار دفع ضرورت جائز است و بیشتر جائز نیست . والله العالم

مسائل مربوط به پیوند اعضا

س 49 - اگر جسدی مجهول الهویه که اعضای قابل پیوندی داشت ، در دسترس باشد آیا می توان این اعضا را به بیماری که محتاج است ، پیوند زد ؟

ج 49 - اگر جسد کافر باشد اشکال ندارد و نسبت به جسد مسلم در صورتی که جسد کافر در دسترس نباشد و حفظ نفس مسلمانی دیگر برآن توقف داشته باشد حکم بجواز خصوصاً باذن مجتهد جامع شرایط قابل توجیه است ولی دیه آن ساقط نمیشود . والله العالم

در مواردی که نجات جان بیمار مسلمانی وابسته به پیوند یک یا چند عضو از شخص دیگری باشد لطفاً بفرمائید :

س 50 - در فرض مسأله فوق (49) اگر بعداً ولیّ متوفی پیدا شود و از این کار ناراضی باشد ، چه باید کرد ؟

ج 50 - در صورت توقف حفظ نفس محترمه بر آن ، اگر آن را قابل توجیه دانستیم عدم رضایت ولیّ مضرّ نیست . والله العالم

س 51 - اگر شخصی وصیت کند بعد از وفاتش ، اعضای قابل پیوندش را به بیماران پیوند زنند آیا مجاز به این کار هستیم ؟

ج 51 - در صورت توقف حفظ نفس محترمه بر آن ، جواز قابل توجیه است و الاّ وصیّت شخص مجوّز نیست . والله العالم

س 52 - اگر شخصی وصیت کند بعد از وفاتش ، اعضایش را به دیگران پیوند زنند اما ولیّ وی پس از مرگش از این کار ناراضی باشد آیا مجازیم این کار را بدون اجازه ولیّ انجام دهیم ؟

ج 52 - جواز فقط در صورت توقف حفظ نفس محترمه بر آن قابل توجیه است . والله العالم

س 53 - اگر شخصی از پیوند اعضای خود به دیگران پس از مرگش ناراضی باشد ولی پس از وفاتش ولیّ وی مایل به این کار باشد آیا می توانیم چنین کاری انجام دهیم ؟

ج 53 - از جواب پرسش های قبل جواب این سؤال هم معلوم میشود . والله العالم

س 54 - اگر شخصی در طول زندگی نظر مخالف یا موافقی در مورد پیوند اعضایش نداشت ، آیا پس از مرگش می توان به اجازه ولیّ وی چنین کاری را انجام داد ؟

ج 54 - از جوابهای قبل جواب این سؤال هم معلوم می شود . والله العالم .

س 55 - آیا برداشتن عضو از بدن فرد زنده جهت پیوند ، مستلزم پرداخت دیه می باشد ؟

ج 55 - بدون درخواست او دیه دارد و با درخواست خودش اثبات دیه محلّ تأمل است و اما حکم تکلیفی از جواب سایر مسائل معلوم می شود . والله العالم

س 56 - اگر احتمال بدهیم با برداشتن یک یا چند عضو از شخصی که زنده است ، در آینده نزدیک یا دور وی دچار عوارض خفیف یا شدید خواهد شد و از طرفی نجات جان بیمار دیگری وابسته به همین کار باشد . و مورد دیگری نیز در دسترس نباشد ، آیا مجازیم بدون آگاهی دادن شخص پیوند دهنده ، چنین کاری را انجام دهیم؟ اگر به وی اطلاع بدهیم و با تمایل وی عضو پیوندی را از بدنش خارج کنیم ، در صورت ایجاد عارضه در وی ، آیا پزشک مسئول است ؟

ج 56 - بدون آگاهی او مسلماً جائز نیست و با آگاهی و اذن او و توقف حفظ جان بیمار جواز قابل توجیه است ولی با احتمال خطر جانی حرام و با عارضه شدید برای خود شخص حکم بجواز مشکل است . والله العالم

س 57 - اگر مطمئن باشیم و یا احتمال دهیم که این پیوند رد خواهد شد و نهایتاً مفید نخواهد بود آیا مجازیم با خوش بینی و به عنوان کمک به بیمار ، از بدن فرد زنده یا مرده دیگری عضوی را جدا و به آن بیمار پیوند بزنیم؟

ج 57 - با اطمینان به عدم فائده جائز نیست و با احتمال عقلائی در صورت توقف حفظ نفس محترمه بر آن قابل توجیه و بررسی است . والله العالم

س 58 - با توجه به این که بعد از پیوند ، شیمی درمانی ضروری به نظر می رسد و همین عمل باعث عوارض خفیف تا شدید در بیمار می گردد ، آیا

پزشکی که مجبور به انجام این کار جهت عدم ردّ پیوند می باشد در ایجاد عوارض آن، مسئول است؟

ج 58 - اگر عنوان درمان و معالجه دارد اشکال ندارد . والله العالم

س 59 - آیا می توان اعضای شخصی را که دچار مرگ مغزی شده است و از لحاظ پزشکی امیدی به زنده ماندن وی نیست ، ولی برخی اعضایش مثل قلب وی برای مدتی هنوز کار می کنند به بیماری که محتاج است پیوند زد ؟
با توجه به این که اگر صبر نماییم ، ممکن است دیگر ، اعضایش ، قابل پیوند نباشند .

ج 59 - اگر سبب تسریع در مرگ یا شدت بیماری او می شود جائز نیست و بدون آن هم چون کسب اجازه از بیمار ممکن نیست جائز نمی باشد .
والله العالم

س 60 - آیا برای شخص جائز است که اجازه دهد در حال حیات یا پس از مرگ ، بعضی اعضای او که حفظ نفس بیماری بر آن متوقف نیست از قبیل انگشت ، دست ، قرنیه چشم و ... را در مقابل وجه یا مجاناً به دیگری پیوند زنند ؟

ج 60 - جائز نیست . والله العالم

س 61 - آیا می توان از اعضای بدن خوک به انسان پیوند زد ؟

ج 61 - ظاهراً اشکالی ندارد چون بعد از پیوند ، جزء بدن انسان محسوب می شود . والله العالم

مسائل مربوط به تشریح

س 62 - آیا مجازیم مسلمانی را که وصیت کرده بعد از وفاتش ، وی را تشریح کنند ، تشریح نماییم ؟

ج 62 - با عدم ضرورت مانند حفظ نفس محترمه و امکان استفاده از جسد میت کافر ولو با خرید آن جائز نیست . والله العالم

س 63 - اگر ندانیم جسدی که در اختیار ماست جسد یک مسلمان است یا کافر یا اهل کتاب ، آیا مجازیم آن را تشریح نماییم ؟

ج 63 - دائر مدار این است که میت در چه محلی باشد اگر در دار الاسلام و بلاد مسلمین است محکوم به اسلام است و تشریح

س 64 - آیاتفاوتی بین اهل تسنن و اهل تشیع در عدم جواز تشریح جسد، وجود دارد؟

ج 64 - تفاوتی وجود ندارد . والله العالم

س 65 - آیا می توان جسد افراد به ظاهر مسلمان - مسلمان شناسنامه ای - را که به خاطر ارتداد ، فساد اخلاقی ، قاچاق مواد مخدر ، مسائل سیاسی و . اعدام شده اند تشریح نمود؟

ج 65 - مرتدّ حکم کافر را دارد ولی مسلمان محکوم به اعدام جسدش حکم جسد مسلمان را دارد . والله العالم

س 66 - آیا می توان برای تشریح ، جهت آموزش ، به علت کمبود جسد
واستخوان که بدون آنها آموزش امکان پذیر نیست اقدام نبش قبر غیر مسلمانان
نمود ؟

ج 66 - اگر در ذمه اسلام نبوده جائز است و اگر در ذمه اسلام بوده در
صورتیکه طبق آداب خودشان جائز باشد اشکالی ندارد . والله العالم

س 67 - در فرض مسأله فوق (66) اگر ندانیم این قبر متعلق به مسلمان یا
غیر مسلمان است ، آیا مجازیم نبش قبر انجام دهیم ؟
ج 67 - اگر در بلاد مسلمین است جائز نیست . والله العالم

س 68 - در صورتی کمبود جسد و استخوان ، آیا می توانیم استخوان هایی
را که در بیابان و قبرستان ها می یابیم و یا به وسیله عملیات حفاری شهرداری
ها در سطح خاک ظاهر می شوند - چه متعلق به مسلمانان و چه غیر مسلمانان
- مدتی جهت آموزش استفاده کرده و بعد از اتمام کار ، به یک مرکز آموزشی
هدیه نماییم و یا دفن کنیم ؟

ج 68 - استخوان مرده مسلمان باید فوراً دفن شود . والله العالم

س 69 - 1 : آیا برای تشخیص علت مرگ جهت پیشرفت علم پزشکی و
تعلیم به دانشجویان شکافتن - کالبد شکافی - جائز است ؟
2 : اگر کالبد شکافی برای کشف جرم و شناسایی قاتل باشد حکم چگونه
است ؟

3: اگر کالبد شکافی تنها راه برای رهایی یک متهم بی گناه از مرگ باشد
قضیه چند حکم دارد؟

ج 69 - 1: شکافتن جسد کافر جائز است . والله العالم

2: جائز نیست . والله العالم

3: کالبد شکافی در موازین قضائی شرعی به منظور شناختن مجرم جائز
نیست و متهم اگر از راههای مشروع و منطقی جرمش ثابت نشود آزادمی شود
. والله العالم

س 70 - اگر برای تشخیص حیات یا مرگ مصدومی تنها راه منحصر به
شکافتن یکی از شریان های وی باشد بفرمائید :

1: آیا انجام این کار جائز است یا خیر؟

2: آیا انجام این عمل در صورت ضرورت مستلزم پرداخت دیه می باشد
یا خیر؟

3: اگر باید دیه پرداخت شود به عهده کیست که بپردازد؟

ج 70 - 1 و 2 و 3: برای مجرد تشخیص حیات یا مرگ ، شکافتن
شریانهای مصدوم جائز نیست ولی اگر مقدمه معالجه او باشد جایز است و با اذن
خود او یا ولی او یا مجتهد جامع الشرائط یا وکیل مجتهد و در صورت توقف
حفظ حیات او بر شکافتن شریان و فوریت آن و عدم دسترسی به ولی وجوب
دیه معلوم نیست . والله العالم .

س 71 - معمولاً روی انسان ها آزمایش های طبی گوناگونی که گاه خطرناک هم می باشد انجام می دهند برای کسب اطلاعات بیشتر پزشکی در جهت تشخیص امراض و درمان آنها بفرمائید :

1: اگر بیماری قطع داشته که چنانچه خود را در معرض چنین آزمایشاتی قرار دهد باستقبال خطرات جانی برای خود رفته است ولی از طرفی هم به پیشرفت علم پزشکی و به معالجه و مداوای جامعه مسلمانان در آینده کمک نموده است ، آیا خود را در معرض چنین آزمایشاتی قرار دادن جائز است ؟

2: اگر ضرر جانی محتمل باشد ، ولی کمک به علم پزشکی فوق الذکر قطعی آیا در این صورت می تواند خود را در معرض آزمایش قرار دهد ؟

3: اگر هیچ گونه علم به ضرر جانی برای خود نداشته باشد و فایده آزمایش هم برای کمک فوق الذکر محتمل باشد ، چه حکمی دارد ؟

4: اگر فایده آزمایشات فوق الذکر به سود تمامی افراد بشر تمام گردد بفرمائید حکم خود را در معرض قرار دادن در صورت علم به ضرر و یا احتمال ضرر و یا عدم علم به ضرر چه خواهد بود ؟

5: در صورتی که آزمایشات فوق برای اهداف فوق الذکر هیچ گونه ضرری برای انسان بیمار نداشته باشد آیا طبیب بدون اطلاع دادن به بیمار و بدون کسب اجازه از او می تواند چنین اقدامی نماید ؟

6: اگر در صورت ضرورت انجام چنین آزمایشاتی جائز باشد چگونه بودن آن ضرورت را بیان نمایید ؟

ج 71 - 1: جائز نیست . والله العالم

2: اگر احتمال ضرر معتنی به و عقلائی باشد جایز نیست . والله العالم

3: جائز نیست چون احتمال ضرر جانی منتفی نیست . والله العالم

4 : جواب همان است که از سه مسئله قبل دانسته شد . والله العالم

5 : نمی تواند . والله العالم

6 : ضرورت ، توقف حفظ نفس شخص بیمار برای عملی است که فایده

آزمایشی دارد . والله العالم

س 72 - اگر آزمایشات فوق روی حیوانات انجام شود که در پایان آنها حیوانات از بین خواهند رفت بفرمائید صرف نظر از ضمان آیا چنین کاری برای پیشرفت کارهای پزشکی جائز است ؟

ج 72 - جایز است ولی رحم انسانی و اسلامی اقتضاء دارد که به صورتی انجام شود که بی رحمی نسبت به حیوان زیان بسته شمرده نشود و موجب زجر و شکنجه زیاد او نشود . والله العالم

س 73 - در صورتی که ضرورت داشته باشد علت مرگ یک شخص بطور مثال جهت تعیین قاتل وی مشخص شود ، آیا مجازیم جسد وی را در پزشکی قانونی ، تشریح نماییم ؟ و یا اگر مدفون باشد ، نبش قبر کرده جسد وی را بررسی نماییم ؟

ج 73 - در مورد سؤال حکم بجواز تشریح مشکل است ولی نبش قبر برای دیدن بدن و اثبات حق اشکالی ندارد . والله العالم

س 74 - با وجود امکان تهیه جسد کافر از خارج چنانچه در بعض ممالک اسلامی عمل می شود آیا واجب است مسئولین مربوطه اقدام نمایند ؟ و با وجود امکان تهیه ، ضرورت جواز تشریح میت مسلمان پیدا می شود یا خیر ؟

ج 74 - با امکان تهیه جسد کافر هر چند بخريد آن باشد تشریح ميّت
مسلمان به عنوان ضرورت جائز نيست . والله العالم

مسائل مربوط به دوران بارداری

س 75 - اطباء در آزمایشگاهی منی مرد «اسپرم» را با منی زن «اووُل» در لوله آزمایش قرار داده و آن را رشد می دهند به فرمائید :

- 1: آیا آن نطفه رشد یافته را می توان دور افکند یا اینکه حکم سقط جنینی را پیدا می کنند و باید تا طفل کامل صاحب روح شدن از وی محافظت نمود؟
- 2: اگر دور افکندن آن جایز نباشد آیا باید دیه سقط جنینی پرداخت و در صورتی که باید پرداخت شود به عهده کیست؟
- 3: آیا دوراندازی آن در زمان قبل از ولوج روح یا بعد از ولوج فرق دارد لطفاً بیان نمائید؟

- 4: در مورد سؤال فوق آیا فرقی بین منی مرد اجنبی با منی زن اجنبیه برای لقاح و رشد در لوله آزمایشگاهی هست یا خیر؟
- 5: اگر منی مرد و زن اجنبی و اجنبیه باشد اصل انجام این جایز است یا خیر؟

ج 75 - 1: جواز اتلاف و دور افکندن آن مورد اشکال است و احتیاط بحفظ آن تا رشد کامل ترک نشود بلی وجوب محافظت از آن نیز محل تأمل است

- 2: بلی احکام دیه بر آن مرتب میشود بنابر همان احتیاط واجب و دیه آن بر عهده کسی است که مباشرت در اتلاف آن داشته . والله العالم

- 3: بلی فرق دارد همان فرقی که اسقاط جنین با اسقاط نطفه در موارد دیگر

دارد

4 و 5: اصل جواز قرار دادن منی مرد اجنبی و زن اجنبیه برای لقاح و رشد محلّ اشکال است هر چند توقف بر معصیت دیگر نداشته باشد ولی بعد از انعقاد جنین حکم همان است که در بند یک جواب داده شد . والله العالم

س 76 - اطباء می توانند جنین را از شکم زنی که نمی توان آن را در رحم معیوب خود پرورش دهد و سقط می کند خارج نموده و در رحم سالم زن دیگری قرار داده که در آنجا جنینی به رشد خود ادامه داده تا به طور طبیعی متولد شود فرمائید :

1: آیا اگر زن دوّم هم همسر شوهر زن اوّل باشد (که نطفه متعلّق به یک شوهر می شود این کار جایز است ؟

2: در صورتیکه زن دوّم باشوهرزن اوّل بیگانه و اجنبی باشد آیا این کار جایز می باشد؟

3: اگر انجام این کار قبل از ولوج روح یا بعد از ولوج روح فرق دارد آن را بیان فرمائید؟

ج 76 - 1: در این فرض فی حدّ نفسه بشرط اینکه مستلزم گناه دیگر نشود ، اشکال ندارد .

2: اگر بعد از انعقاد نطفه زن و شوهرش باشد که نطفه مرد اجنبی با زن اجنبیه منعقد نشود اشکال ندارد .

3: در هر دو صورت بی اشکال است . والله العالم

س 77 - آیا سقط عمدی جنینی که مطمئنیم یا احتمال می دهیم معیوب و نارسا می باشد ، در هر ماهی از بارداری اگر دیه لازمه هم پرداخت شود ، مجاز است ؟

ج 77 - جائز نیست . الله العالم

س 78 - اگر طبیب تشخیص قطعی داد که ماندن جنین در شکم مادر موجب مرگ مادر می گردد بفرمائید ؟

1 : آیا جایز است جنین را در شکم مادر از بین ببرند تا مادر سالم بماند؟
2 : آیا می توان مادر را به همان حال باقی نهاد تا بچه سالم بماند و مادر بمیرد ؟

3 : اگر در باقی گزاردن مادر به همان حال احتمال مرگ هم مادر وهم بچه در کار باشد تکلیف چیست و احتمال مرگ و سلامت برای هر دو مساوی باشد ؟
4 : اگر حکم فوق نسبت به جنین قبل از ولوج روح وبعد از ولوج روح فرق پیدا می کند حکم هر دو حال را توضیح فرمائید ؟

ج 78 - بعد از ولوج روح جائز نیست و قبل از ولوج روح در صورتیکه حفظ جان مادر متوقف بر سقط باشد جواز قابل توجیه است . والله العالم

س 79 - با عکس برداری از جنین درون شکم مادری معلوم شده که جنین ناقص الخلقه می باشد که پس از تولد بمانند تکه گوشتی به کناری خواهد افتاد و هیچگونه فعالیتی نمی تواند داشته باشد و فاقد هر گونه درک و شعور انسانی خواهد بود به فرمائید :

- 1: آیا جایز است در همان حال جنین بودن (قبل از ولوج روح یا بعد از ولوج روح) وی را از بین برد و جنین را ساقط نمود؟
- 2: اگر این طفل به دنیا آمد و سپس مریض شد، آیا جایز است که هیچگونه اقدامی در مورد درمان وی انجام نداد تا زودتر بمیرد و چه بسا از درد و رنج هم راحت شود؟

ج 79 - 1 و 2: جائز نیست . والله العالم

س 80 - بر طبق تشخیص پزشکان جنینی هست که اگر در شکم مادر بماند خواهد مرد ولی اگر آنها از شکم مادر خارج نمایند و در دستگاه مخصوص (انکوباتور) بگذارند زنده می ماند و به رشد و حیات خود ادامه می دهد
بفرمائید :

1: تکلیف در این مورد چیست آیا می توان بچه را از شکم مادر خارج نمود ؟

2: آیا قبل از ولوج روح و یا بعد از ولوج حکم فرق می کند آن را هم بیان فرمائید؟

ج 80 - 1 و 2: در صورت مذکور که علم به تلف شدن جنین حاصل شود اخراج آن از شکم مادر و حفظ و نگهداری آن بنحو مذکور جایز است و فرقی بین قبل از ولوج روح و بعد از آن نیست بلی بعد از ولوج روح خارج کردن آن از شکم مادر واجب است و وجوب آن قبل از ولوج روح معلوم نیست ولی موافق احتیاط است . والله العالم

س 81 - در مواردی که پزشک باعث سقط جنین می شود ، دیه لازمه باید توسط چه کسی پرداخت شود ؟ آیا حتماً باید قبلاً پزشک شرط کند که دیه به عهده وی نیست و آیا این شرط ، جهت رفع دین از وی کافی است ؟ اگر با وجود قبول این شرط ، فردی که دیه بر او واجب است ، آن را پرداخت نکند ، آیا در این صورت پزشک مدیون خواهد بود ؟

ج 81 - اگر پزشک مباشر سقط جنین می شود دیه بر او است و شرط پزشک در برائت از دیه اثری ندارد . والله العالم

س 82 - اگر طبیبی متوجه شد که جنینی درون شکم مادری دارای نقص عضو می باشد که در صورت اطلاع دادن به والدین او احتمال زیاد می دهد آنان اقدام برای سقط جنین به نمایند و شاید هم در مقام معالجه نقص عضو از جنین بر آیند که احتمال بهبودی بسیار کمی را دارد ، و در ضمن اگر اطلاع دهد در معرض شکایت والدین نسبت به عدم اطلاع به آنان از وضعیت جنین قرار نخواهد گرفت به فرمائید وظیفه طبیب در اینجا چیست ؟

ج 82 - در صورتیکه علم نداشته باشد که آنها اقدام به سقط جنین می نمایند چون محتمل است در مقام معالجه بر آیند ، مطلع ساختن آنها جائز است و اگر آنها مرتکب سقط جنین شوند مسئول خود عامل است . والله العالم

س 83 - 1 : بیمارانی که از درد شدید رنج می برند چنانچه به آنان مسکن های قوی داده شود دردشان تسکین خواهد شد ، لیکن به احتمال قوی به این خاطر بعداً دچار عوارض جنین و ناراحتی هائی خواهند شد به فرمائید تکلیف طبیب نسبت به این گونه بیماران چیست ؟

ج 83 - 1 : دوا را به خود بیمار بدهد و او را از این عوارض جنّبی مّطلع سازند تا با ملاحظه اهمّ و مهمّ خود اقدام نماید .

2 : اگر مسکن موجب تأخیر مرگ او نمی شود ندادن مسکن به او اگر میتواند درد را تحمّل نماید جایز است و الاّ بی رحمی شدید است و جایز نیست . والله العالم

س 84 - اگر پزشک به طور قطع تشخیص داد که فرزندان بعدی زن و شوهری ، ناقص العضو خواهند شد بفرمایید :

1 : آیا بر طبیب واجب است در صورت سؤال والدین ، واقعیت را به آنان اطلاع دهد ؟

2 : آیا در صورت عدم سؤال آنان ، بر طبیب واجب است به آنان بگوید تا آنان از پیدا کردن چنین فرزندانى جلوگیری نمایند ، اگر واجب نیست آیا گفتنش حرام می باشد ؟

3 : اگر طبیب احتمال دهد که آنان در صورت اطلاع از این جهت هر بارى که فرزند پیدا کنند اقدام به سقطّ وی خواهند نمود . در اینجا وظیفه طبیب چیست گفتن یا نگفتن ؟

ج 84 - 1 : در صورت سؤال والدین ، نباید خلاف واقع بگوید والله العالم

2 و 3 : در سائر موارد بر طبیب واجب نیست هر چند مّطلع کردن آنها حرام نیست . والله العالم

مسائل مربوط به عمل جراحی

س 85 - بیماری که بنا بر تشخیص اطبای حاذق در صورت ترک نمودن عمل جراحی به زودی خواهد مُرد و در صورت اقدام به عمل جراحی احتمال قوی دارد که زنده بماند ولیکن تا پایان عمر دچار درد و رنج شدید و توانفرسا و احتمال مرگ هم در کار می باشد ، بفرمایید تکلیف این بیمار چیست عمل جراحی یا ترک آن؟

ج 85 - حفظ نفس بیمار به هر صورت لازم و اهمّ است . والله العالم

س 86 - شخصی که استخوان پای وی شکسته است چنانچه جراحی روی پای وی انجام ندهند تا پایان عمر زمین گیر شده و با درد و رنج باید بسر ببرد و اگر عمل کند احتمال بهبودی داده می شود بفرمایید :

1 : با چند درصد احتمال بهبودی تکلیف وی اقدام برای عمل می باشد ؟

2 : چنانچه عمل و شرایط به گونه ای است که احتمال مرگ هم بعید نباشد به فرمائید با چند درصد احتمال مرگ دادن وظیفه ترک کردن عمل می باشد ؟

ج 86 - اگر احتمال مرگ و ضرر اهم در بین نباشد بایک درصد احتمال بهبودی هم عمل جائز است و اگر احتمال مرگ در بین باشد در صورتیکه احتمال عقلاتی باشد عمل جایز نیست . والله العالم

س 87 - به بیماری که به ناراحتی های روانی شدیدی دچار است و جهت معالجه به پزشک مراجعه می نمایند پزشک هم احتمال خوب شدن وی را

منحصراً در اقدام به عمل جراحی می داند و در صورت عمل کردن هم احتمال می دهد حیات مغز این بیمار از بین برود و برای همیشه بیمار فلج و یا به حال اغما در آمده آیا در این صورت طبیب می تواند دست به عمل جراحی بزند ، تکلیف چیست ؟

ج 87 - بطور کلی ملاک در جواز وعدم جواز عمل عرفیت معالجه و عقلائی بودن عمل و قابل اعتناء نبودن احتمال خطر است ولی بیمار روانی اگر مجنون باشد باید با اجازه قیم و ولی امر شرعی اقدام شود . والله العالم

مسائل مربوط به ضمان طیب

س 88 - شخصی که در اثر آسیب مغزی درک و شعور و شنوایی و بینایی و حس خود را از دست داده فقط قلب او می زند و حرکت می کند به فرمائید :

- 1: چنین شخصی آیا از نظر احکام اسلام زنده است یا خیر؟
- 2: آیا کسی این شخص را در این شرایط بکشد باید دیه کامل بپردازد؟
- 3: اگر برداشتن عضوی از اعضای وی در حال و شرایطی که جایز باشد منوط به پس از مرگ وی باشد در چنین وضعی می توان اقدام به عضو برداری از او نمود؟

4: در صورتی که با صرف هزینه های بسیار سنگین چنین بیماری را بتوان برای مدتی زنده نگاهداشت آیا انجام این کار واجب است؟

5: در صورت واجب بودن، تا چه مقدار از اموال وی را باید صرف این کار نمود و آیا اجازه وارث این شخص شرط است یا جز در صورت داشتن وارث صغار چه باید کرد؟

6: در صورتی که اموال این بیمار برای چنین هزینه ای کافی نباشد چه باید نمود؟

7: آیا می توان این بیمار را به همان حال باقی نهاد تا قلب او هم از کار بیفتد؟

ج 88 - بطور کلی میزان در حکم به مرگ و ترتب احکام موت و میت بر شخص دائر مدار زهاق (خارج شدن) روح و حکم عرف به زهاق روح و مرگ او است و مادام که عرف حکم نمی کند او را زنده میگویند تمام احکامی که بر آن مترتب بود شرعاً مترتب است حتی دیه و قصاص، بلی اگر بر حسب عرف

موت ثابت و مسلم باشد ولی پزشک احتمال حیات او را بدهد هر عملی که موجب قتل بشود نسبت به او جایز نیست ولی اگر کسی در این فرض مرتکب قتل شود حکم بقصاص نمیشود و وجوب صرف مال یا عدم وجوب آن نیز دائر مدار حکم عرف به حیات یا موت او است و در مسأله تفصیل دیگری نیز هست که در این جا به همین مقدار اکتفا می شود . والله العالم

س 89 - طبیبی حاذق و ماهر بدون سهل انگاری اقدام به عمل جراحی بیماری نموده و در ضمن عمل آسیبی به بیمار وارد گردیده لطفاً موارد ضمان یا عدم ضمان طبیب را در وجوه ذیل بیان فرمایید :

1 : بدون اذن از بیمار یا کسان وی اقدام به عمل نموده باشد ؟

2 : غفلت از اذن گرفتن داشته است ؟

3 : بیمار در حال اغماء بوده و برای اذن دسترسی به کسان بیمار نداشته و

تأخیر هم موجب به خطر افتادن جان بیمار می شود ؟

4 : در مورد فوق اگر تأخیر موجب نقص عضو و یا تعطیل شدن عضوی از

بیمار گردد حکم چیست ؟

5 : اگر در موارد فوق باید دیه به بیمار داده شود آن دیه به عهده کیست ؟

ج 89 - 1 : بدون اذن دیه دارد به شرحی که در باب دیات مذکور است .

والله العالم

2 : غفلت از اذن گرفتن نیز در حکم عدم اذن است . والله العالم

3 : در این صورت اگر آسیبی که به او رسیده بطور متعارف با عمل انجام

شده توأم باشد چیزی بر پزشک نیست . والله العالم

4: در این صورت طبیب ضامن نیست ولی به جهت عدم اقدام به معالجه
معصیت کرده است . والله العالم

5: در این موارد دیه با خود پزشک است . والله العالم

س 90 - در مواردی که برای معالجه بیمار باید اذن گرفت تا ضمان متوجه
طبیب نشود بفرمایید :

- 1: آیا اذن از ولی طفل ممیز کافی است یا باید از طفل هم اذن گرفته شود ؟
- 2: در مورد عمل جراحی روی بیمار مغمی علیه از کدام یک از کسان بیمار
باید اذن گرفت ، آیا ترتیب یا اولییتی در کار است ؟
- 3: در مورد بیمار مغمی علیه یا طفل صغیر مصدوم که مشخص نیست ، آیا
ولی دارند یا ندارند و دسترسی به حاکم شرع هم برای اذن نیست و عدول
مؤمنین هم حاضر نیستند و معالجه هم فوری باید انجام شود تکلیف چیست ؟
- 4: آیا طبیب می توان از حاکم شرع اسلام برای کل موارد مشابه فوق قبلاً
اذن بگیرد ؟

ج 90 - 1: اذن از ولی کافی است .

2: اگر بیمار کبیر باشد از حاکم شرعی اذن بگیرد .

3 و 4: بلی از حاکم شرع ومجتهد جامع الشرائط میتواند اذن بگیرد و بنظر
میرسد باید متصدی امور داخلی بیمارستانها از مجتهد جامع الشرائط اذن بگیرند
که در مواردی که ولی حضور ندارد وتأخیر معالجه تا کسب اجازه از او موجب
تلف بیمار است رأساً عمل نماید . والله العالم

س 91 - 1 : اگر به واسطه تشخیص نادرست طبیب حاذق آسیبی به بیمار وارد شود ، آیا باید دیه پرداخت شود ، اگر باید دیه داده شود به عهده کیست ؟

2 : چنانچه در تشخیص سهل انگاری نموده باشد حکم چگونه است ؟

ج 92 - 1 : اگر آسیبی که به بیمار وارد شده مستند به پزشک شمرده شود و پزشک از بیمار برائت خود را نگرفته باشد دیه به آن متعلق می گیرد . والله

العالم

2 : با سهل انگاری واستناد آسیب به پزشک ، پزشک مسئول است . والله

العالم

س 93 - سهل انگاری طبیب در عمل جراحی موجب آسیب وارد شدن به بیمار گشته بفرمایید :

1 : آیا طبیب ضامن پرداخت دیه است ؟

2 : اگر نیاز به عمل جراحی و درمان بعدی برای بیمار پیدا شود به واسطه سهل انگاری در عمل جراحی قلبی آیا طبیب سهل انگار باید هزینه آنها را بپردازد یا همان دیه کافی می باشد ؟

3 : اگر سهل انگاری طبیب منجر به فوت بیمار شود قتل ، چگونه قتلی خواهد بود ؟

ج 94 - 1 : در فرض سؤال طبیب ضامن است . والله العالم

2 : بیشتر از دیه چیزی تعلق نمی گیرد و هزینه بعدی بعهده طبیب نیست .

والله العالم

3 : ظاهراً قتل شبه عمد است . والله العالم

س 95 - 1: اگر طبیب حاذق اشتباهاً دستور داروی عوضی را برای بیمار به پرستار بدهد و پرستار هم دارو را به بیمار داده و بیمار آسیب دیده بفرماید: آیا ضمانتی باید پرداخت شود، در صورتی که باید داده شود به عهده کیست؟

2: در صورت سهل انگاری نسبت به مورد فوق حکم چیست؟
ج 95 - 1: در فرض سؤال، پرستار ضمانتی ندارد و حکم پزشک در این مسئله مانند مسئله 91 است. والله العالم
2: سهل انگاری و مسامحه موجب مسئولیت است. والله العالم

س 96 - اگر طبیب حاذق نسخه را غلط نوشت با توجه به این که شیوه معالجه و درمان همین گونه می باشد و نسخه را نوشته و به بیمار می دهند و او دارو را تهیه و استفاده می کند و در نتیجه صدمه ای به بیمار وارد شد به فرمایید؟

1: آیا باید دیه ای پرداخت شود؟
2: دیه به عهده کیست که بپردازد؟
3: در صورت حاذق نبودن طبیب حکم چیست و دیه به عهده کیست؟
4: در صورت سهل انگاری چه تکلیفی متوجه طبیب می باشد؟
ج 96 - در صورت حاذق نبودن طبیب و یا سهل انگاری وی دیه دارد و بر عهده طبیب است بلی اگر سهل انگاری نکرده و حاذق هم بوده و قبلاً هم از بیمار برائت خود را از مسئولیت گرفته باشد ضامن نیست. والله العالم

س 97 - آمپولی به بیماری تزریق شده و بیمار به واسطه آن فوت می کند
بفرمایید : در مورد ضمان یا عدم ضمان و فردی که باید دیه پردازد در وجوه
ذیل حکم چگونه است ؟

1 : تزریق آمپول توسط شخص آشنا به آمپول و آشنا به تزریق صورت
گرفته و در تزریق اشتباه کرده ؟

2 : آمپول توسط شخص غیر آشنا به آمپول و تزریق ، تزریق گردیده ؟

3 : تزریق توسط طبیب حاذق بوده ولیکن سهل انگاری در کار بوده است ؟

ج 97 - در هر سه فرض دیه دارد ودیه بر مباشر است . والله العالم

س 98 - نسبت به شخصی که به گونه ای می خواهد اقدام به خودکشی
نماید بفرمایید :

1 : آیا جلوگیری از خودکشی وی بر دیگران واجب است ؟

2 : اگر ممانعت از خودکشی آن شخص ، مستلزم مخارجی باشد آن مخارج
را چه کسی و تا چه مقداری باید پرداخت نماید ؟

3 : اگر باز داری شخص فوق از خودکشی ، مستلزم استقبال از خطر جانی
یا به خطر افتادن سلامت شخص نجات دهنده باشد تا چه اندازه باید از این
خطر استقبال نماید ؟

4 : آیا در نجات جان چنین فردی ، فرقی بین مسلمان و یا کافر حربی و یا
کافر غیر حربی که می خواهد خودکشی نماید وجود دارد ، اگر هست احکام آن
را بفرمایید ؟

5 : آیا برای ممانعت از خودکشی آن شخص رضایت یا عدم رضایت وی -
برای نجات - مدخلیت در تکلیف نجات دهنده دارد یا خیر؟

6: در صورت عدم رضایت برای نجات جان خود اگر کسی اقدامی در جهت نجات جان وی انجام داد که در ضمن آسیبی هم به شخص خودکشی کننده وارد شد آیا منجی ضامن است؟

ج 98 - 1: بلی واجب است .

2: حکم مخارج نهی از منکر را دارد که وجوب ندارد.

3: تحمل خسارت بدنی و مالی واجب نیست .

4: اما در کافر حربی ممانعت وجوب ندارد و در غیر حربی به مقدار نهی از منکر بدون تحمل ضرر مالی اکتفاء جایز است مگر اینکه ضرر مالی کم که معتنی به نیست باشد

5: رضایت او مدخلیت ندارد .

6: ضامن نیست ، خداوند در قرآن کریم می فرماید (**مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ**

سَبِيلٍ) والله العالم

س 99 - بیمار روانی که هر زمان احتمال دارد دست به آدم کشی بزند در صورتی که بیماری دیگری هم پیدا کرد به فرماید :

1: جایز است برای این که جان افرادی توسط وی به خطر نیافتد از درمان

بیماری جدید او اعراض نموده و او را مورد معالجه قرار نداد؟

2: آیا بیمار فوق را جایز است یا واجب ، که پزشک به مقامات پلیس

معرفی نموده تا او را بنوعی از مردم دور نگهداری نمایند که جانی در معرض خطر قرار نگیرد؟

ج 99 - 1: باید او را معالجه کرد که تلف نشود . والله العالم

2: بلی اگر صدمه غیر مشروع به او نمی زنند لازم است اطلاع دهد . والله

العالم

مسائل مربوط به نازائی

س 100 - پزشکی که در استخدام دولت می باشد بفرمایید :

1 : اگر از طرف دولت موظف شد برای کنترل موالید مردان و زنان را عقیم

سازد چه تکلیفی دارد ؟

2 : اگر طبیب را برای انجام این کارها مجبور نمودند در چه مرحله ای از

اجبار چنین اقدامی برای وی معصیت محسوب نمی گردد ؟

3 : آیا در مورد اجبار ضمانی هم به عهده طبیب خواهد آمد ؟

ج 100 - 1 : جائز نیست کسی را عقیم سازد .

2 : در صورتی که طبیب در معرض خطر جانی باشد . والله العالم

3 : اجبار در اینگونه موارد ، اجبار عرفی و مسامحی است و موجب رفع

تکلیف و رفع ضمان نمی شود . والله العالم

مسائل مربوط به حفظ جان

- س 101 - 1: آیا دروغ گفتن برای حفظ جان مسلمانی جایز است؟
- 2: دروغ گفتن جهت حفظ جان کافر ذمی چه صورت دارد؟
- 3: در جایی که انسان می تواند با دروغ گفتن و به خطر انداختن جان خود و یا شخص دیگر، موجب نجات جان چند مسلمان بشود تکلیف وی را در این مورد بیان فرمایید: که آیا جایز است این کار، و در صورت به خطر افتادن جان آن شخص دیگر (با دروغ این انسان) و تلف شدن، دیه به عهده کیست؟
- ج 101 - دروغ گفتن برای حفظ نفس محترمه حتی اهل ذمه و بعض مصالح دیگر جائز است و گفتن راستی که سبب فتنه و فساد شود جائز نیست ولی حفظ جان شخص یا اشخاص به وسیله به خطر انداختن جان خود یا شخص دیگر واجب نیست بلکه جائز نیست. والله العالم

س 102 - در عالم پزشکی متداول شده که روی موجودات بسیار ریز ژن ها درون سلول های بدن انسان و غیر انسان اقداماتی انجام می دهند که گفته می شود موجب پیدایش تغییراتی در ساختمان روانی انسان ها و یا تغییرات جسمی انسان ها و غیر انسان ها می گردد بفرمائید:

- 1: آیا نفس این عمل دست کاری کردن ژن ها جائز است؟
- 2: در صورتی که این اقدام به منظور درمان صورت نگیرد ولیکن در جهت دست یابی به برتری های جسمی و یا روانی و پیشرفت علم پزشکی بوده باشد آیا جائز است چنین اقداماتی انجام گیرد؟
- 3: اگر اقدام فوق روی نطفه یا جنین انجام شود حکم چگونه خواهد بود؟

ج 102 - 1 : در حیوانات اگر موجب اذیت آنها نشود جواز بعید نیست و در انسان در صورتیکه موجب تغییر نوعی او بشود جائز نیست و در تغییر شخصی و شخصیات اگر موجب کمال بیشتر جسمی یا روحی او شود جایز است . و اگر موجب عیب و نقص جسمی یا روحی شود جایز نیست والله العالم

2 : در صورتیکه در انسان موجب تغییر نوعی یا عیب و نقص روحی و حسی نشود جائز است . والله العالم

3 : از جواب سؤال اول جواب معلوم می شود و مع ذلک بطور کلی باید در اینگونه موارد رعایت احتیاط کامل بشود . والله العالم

س 103 - 1 : آیا برای نجات جان یک مسلمان انسان می تواند عضوی از اعضاء خود را به او هدیه کند ، بدون این که هیچ خطر جانی متوجه انسان عضو دهنده بوده باشد ؟

2 : آیا دهنده عضو می تواند پولی در عوض دریافت نماید ؟
3 : اگر احتمال آسیب و خطر کمتر از مرگ برای دهنده عضو در کار باشد آیا این اقدام جائز است در صورتی که با این کار مسلمانی را از مرگ نجات بدهد ؟

ج 103 - 1 : اگر مسلم باشد که حفظ جان در توقف بر اهداء چنین عضوی دارد جواز بعید نیست . والله العالم

2 : خرید و فروش آن چون ملک فروشنده نیست صحیح نیست . والله العالم
3 : محل اشکال است و به هر حال واجب نیست . والله العالم

مسائل متفرقه

س 104 - در افرادی که مبتلا به آسم و یا بیماری های مشابه می باشند به وسیله یک دستگاه ، مقداری از داروی مایع که نقش غذایی ندارد به صورت پودر - گاز - از راه دهان به ریه ها پاشیده می شود و باعث بهبودی موقتی این بیماری - بعضاً - بسیار سخت می گردد ، در صورت استفاده از این روش ، آیا روزه شخص باطل نمی گردد ؟

ج 104 - اگر صدق خوردن یا آشامیدن نکند روزه را باطل نمی نماید . والله العالم

س 105 - در برخی بیماری ها مثل نارسایی کلیه با اطمینان ، می توان به بیمار توصیه نمود که روزه نگیرد اما در خیلی از موارد به علت شکی که در اصل بیماری و یا چگونگی تأثیر روزه بر آن وجود دارد یا به علت عدم وجود تحقیقات و نتایج لازم در مورد اثرات روزه بر بسیاری بیماری ها و کلاً به خاطر عدم امکان تعیین نقش روزه بر بیماری پزشک واقعاً نمی داند، روزه رابه بیمار توصیه بکند یاخیر، دراین صورتوظیفه پزشک چیست؟ آیا پزشک در صورت توصیه یا عدم توصیه به روزه، مسؤل نیست؟

ج 105 - پزشک اگر احتمال ضرر میدهد میتواند به بیمار بگوید روزه احتمالاً برای او ضرر دارد اگر چه واقعاً برای او ضرر نداشته باشد اما جواز افطار روزه و عدم آن برای بیمار دائر مدار این استکه بیمار خودش خوف عقلائی از ضرر داشته باشد یا نداشته باشد و به پزشک ارتباطی پیدا نمیکند ودر مقام معالجه بیان این احتمال مانعی ندارد . والله العالم

س 106 - آیا تزریق آمپول هایی که جهت بی حسی ، کاهش درد ، کشتار میکروب ها و بکار می روند در صورتی که کلاً هیچ خاصیتی در جهت رساندن ویتامین یا مواد غذایی به بدن نداشته باشند ، مبطل روزه می باشد ؟
ج 106 - موجب بطلان روزه نمی شود . والله العالم

س 107 - آیا خوردن داروهای خوراکی که هیچ جنبه غذایی نداشته باشند و جهت تسکین آلام بیماری بکار می روند مبطل روزه می باشد ؟
ج 107 - موجب بطلان است . والله العالم

س 108 - آیا بردن وسایل غیر خوراکی مثل وسایل دندانپزشکی در دهان ، باعث ابطال روزه می شود ؟
ج 108 - باعث ابطال روزه نمی شود . والله العالم

س 109 - آیا الکلی که جهت ضد عفونی ، بعد از تزریقات ، بکار برده می شود نجس است ؟
ج 109 - اگر از مسکر مایع بالاصالة اخذ شده باشد نجس است و با شک ، حکم به نجاست آن نمیشود . والله العالم

س 110 - در بعضی از بیمارستان ها دانشجوی به این که دوره آشنائی با کارهای طبابت را عملاً می گذرانند می خواهند که از بیماران مراجعه کننده معاینه بعمل آورند و قصد شان هم تعلیم امور درمانی می باشد بفرمائید :

1: در صورت عدم رضایت بیماران می توان آنان را به معاینه نوعی مجبور نمود مانند این که پزشک معالج اصلی بگوید اگر از معاینه دانشجویان ممانعت بنمائی من تو را معالجه و درمان نخواهم نمود ؟

2: اگر اقدام فوق درمورد ضرورت تعلیم بدون اشکال است مورد ضرورت را توضیح فرمائید :

ج 110 - 1: اگر برنامه پذیرفتن بیمار در بیمارستان به این صورت باشد که بیمار مقررات داخلی بیمارستان را باید بپذیرد ظاهر این است که هر کس به بیمارستان مراجعه می کند این مقررات را پذیرفته است و بدیهی است بیمار نمیتواند برای معالجه خود و ترتیب اداره بیمارستان و عمل کرد پزشکان بیمارستان را ملزم به قبول برنامه ای که او میدهد

بنماید لذا باعدم رضایت فقط میتواند بیمارستان را ترک نماید و اگر بیماری او خطرناک و غیر قابل علاج در بیمارستان دیگر باشد واجب است با قبول مقررات بیمارستان موافقت نماید .

بلی در صورتی که معاینه مستلزم فعل محرمی باشد و ضرورتی در بین نباشد مریض باید امتناع نماید و بر او هم نباید تحمیل شود . والله العالم

ج 110 - 2: اگر تعلیم و تعلّمی که حفظ نفوس بطور مسلم برآن توقّف داشته باشد متوقف بر معاینه باشد بر بیمار و دانشجو هر دو واجب است ، بر بیمار واجب است چون وجوب کفائی دارد خود را در معرض انجام این برنامه قرار دهد چنانچه بر دانشجو نیز تعلّم واجب است ، اما توقّف این تعلیم و تعلّم در همه موارد بر معاینه یا ارتکاب حرام لا اقلّ بطور مطلق وجود ندارد لذا باید به مواردی که بطور مسلم این توقّف وجود دارد اکتفا شود . والله العالم

س 111 - آیا طبیب می تواند قبل از اقدام به معالجه و درمان بیمار نسبت به کل اقدامات لازم در جهت معالجه وی بنا بر تشخیص خود اجازه کلی بگیرد؟
ج 111 - بلی هم طبیب و هم متصدی بیمارستان می تواند اجازه بگیرد .
والله العالم

س 112 - دانشجویان پزشکی در طیّ مراحل تعلّم عملی مواجه می شوند که بدن و سر و روی مسلمان غیر مماثل را دیده و گاه هم از اندام تناسلی آنان معاینه به عمل آوردند ، که اگر به این شیوه آشنائی لازم را در امور طبابت پیدا نکنند نمی توانند پزشک شوند و ناچار باید دست از کار طبابت بردارند و ترک تحصیل نمایند ، با توجهّه به این که اگر مهارت و تجربه کاری لازم را با این شیوه ها پیدا به نمایند می توانند در آینده به کار مداوا و درمان بیماران جامعه پرداخته و آنان را معالجه نموده و در اوقاتی هم آنان را از مرگ نجات دهند بفرمائید :

1 : آیا میتوانند به مقدار ضرورت جهت تعلیم نظر نمایند لطفاً مورد ضرورت را توضیح دهید؟

2 : در صورتی که مورد ضرورت بلا اشکال باشد آیا رضایت بیماری که از وی معاینه به عمل می آید شرط است که چنانچه به این کار راضی نباشد اقدام به آن ، حرام می باشد؟

ج 112 - 1 : بمقداری که بحسب عرف حفظ نفوس توقف بر این امور دارد جایز است و بر بیمار هم جائز است که خود را در صورت توقف مذکور در معرض انجام این برنامه قرار دهد . والله العالم .

2: با توقف ، رضایت او شرط نیست ولی اگر بر او واجب باشد که در معرض این برنامه قرار گیرد وجوب کفائی است اجبار او فقط بعنوان شروط معالجه جایز است . والله العالم

س 113 - آیا طبیب می تواند ضمن انعقاد قرار معالجه با بیمار سلب هر گونه مسئولیت شرعی از خود نسبت به آسیب های احتمالی که در ضمن معالجه ممکن است پیش بیاید بنماید تا هیچ گونه ضمانی به عهده وی یا عاقله وی نباشد ؟

ج 113 - بلی طبیب می تواند سلب مسئولیت از خود نماید و با قبول بیمار مسئولیت نخواهد داشت مگر آنکه دقت لازم در معالجه ننماید . والله العالم

س 114 - اگر از طرف قاضی ، زنی را جهت معاینه و تشخیص نطفه ای که وی در رحم دارد به نزد پزشک قانونی فرستادند ، در صورتی که طبیب به طور قطع توانست تشخیص دهد که نطفه متعلق به شوهر این زن نبوده بلکه از مرد اجنبی باشد ؟ در این حال اگر طبیب واقعیت را گزارش دهد یقین دارد این زن را بناحق اقوام وی خواهند کشت و اگر خلاف گزارش کند بچه ملحق به شوهر این زن می گردد و مسائل حقوقی وارث و مَحْرَمِیت و سایر مشکلات دیگر پیش خواهد آمد بفرمایید : طبیب که راهی جز انتخاب یکی از این دو را ندارد چه سازد ؟

ج 114 - این گونه بررسی اعتبار شرعی ندارد و ارجاع قاضی صحیح نیست و اگر چه قطع طبیب برای خودش و هرکس از قول او قطع پیدا کند حجّت است لکن موجب جواز استناد زنا به شخص مذکور نمی شود . والله العالم

س 115 - نسبت به کسی که اعتصاب غذا نموده و جان خود را به خطر انداخته یا لا اقل سلامتی خود را دچار مخاطره کرده و تنها با تغذیه اجباری توسط پزشک می تواند او را از خطر جانی حفظ نماید بفرمائید :

- 1: آیا این کار برای پزشک واجب است یا می تواند اقدامی نداشته باشد ؟
- 2: اگر تغذیه واجب باشد ، و راه آن منحصر به ضرب و شتم اعتصاب کننده باشد برای نجات دادن وی انسان چه مقدار مجاز به ضرب و شتم او می باشد ؟
- 3: آیا ضرب و شتم چنین کسی که موجب تغییر رنگ پوست وی هم می گردد و مستلزم دیه می باشد ، اگر هست به عهده کیست ؟
- 4: آیا حکم فوق نسبت به اعتصاب کننده ای که می داند با اعتصاب غذا خود را به پای مرگ می کشاند با دیگری که از عواقب کارش بی خبر است فرق می کند اگر فرق دارد وظیفه طبیب را در مورد او هم بیان فرمائید ؟
- 5: اگر پزشک را مجبور به تغذیه اجباری نسبت به اعتصاب کننده غذا بنمایند نه به جهت حفظ جان اعتصاب کننده بلکه برای اقرار گرفتن از وی نسبت به امری ، پزشک چه تکلیفی در این صورت دارد ؟

ج 115 - 1: تغذیه اجباری او واجب است . والله العالم

2: به هر مقداری که او را مجبور به خوردن غذا نماید ولی باید با اذن مجتهد جامع الشرائط انجام شود مگر آنکه فرصت برای مراجعه نباشد . بلی اگر

اعتصاب غذا برای احقاق حق باشد یا برای حفظ مصالح عالیه اسلامی انجام شده باشد مسئله بحسب موارد حکم دیگر دارد . والله العالم

3 : با اذن مجتهد دیه ندارد . والله العالم

4 : اگر اعتصاب برای او خطر مرگ دارد فرق نمی کند که خودش بداند یا

نداند . والله العالم

5 : نباید اطاعت کند . والله العالم

س 116 - اگر دو مصدوم را برای پزشکی جهت معالجه بیاورند که هر دو آنان در شرایط خطر جانی قرار دارند ، در صورتی که یکی از آن دو مصدوم عضو خانواده ای باشد که این پزشک طبیب خانوادگی آنان می باشد و اقدام پزشک برای معالجه هر یک از آن دو مستلزم رها ساختن مصدوم دیگر می باشد که در نتیجه آن مصدوم دیگر خواهد مرد ، بفرمائید : در اینجا وظیفه طبیب پرداختن به معالجه کدامیک از این دو مصدوم است ؟

1 : با توجه به این که طبیب هیچ گونه تعهد شرعی نسبت به معالجه اعضای

خانواده مصدومی که وی پزشک آنان است نداده باشد ؟

2 : در صورتی که تعهد شرعی نسبت به معالجه اعضاء خانواده یکی از آن دو

داشته باشد حکم چگونه است ؟

3 : در صورتی که مصدوم و مجروحی که وی پزشک خانوادگی آنان می

باشد حالش بسیار سخت ولی احتمال خطر مرگ برای وی کمتر است تا

مصدوم دیگر در این صورت وظیفه طبیب چیست ؟

ج 116 - اگر هر دو مسلمان باشند مانند دو غریق است که شخص برنجات هر دو قادر نیست از این جهت اختیار با خود اوست و اگر شخصی را که طبیب خانوادگی آنهاست مقدم بدارد اشکال ندارد .

2 : در این صورت لازم است به تعهد خود عمل نماید

3 : در این صورت باید معالجه بیماری را که برای او خطر مرگ بیشتر است

مقدم بدارد . والله العالم

س 117 - اگر بیماری به پزشک مراجعه نمود و پزشک هم در معاینات وی به سرّی از بیمار مطلع شد که در صورت کتمان نمودن ، نفع بیمار و کسان وی در آن لحاظ می گردد ، و بیمار هم خواهان مکتوم ماندن آن عیب و بیماری پنهان باشد . ولی اگر طبیب به اطلاع مسئولین مملکتی و حکومتی برساند نفع و مصلحت جامعه در آن وجود داشت اینجا طبیب چه تکلیفی دارد ؟

ج 117 - البته پزشک باید امین و رازدار باشد و در نهایت امانت عمل نماید مع ذلک اگر اتفاقاً بر امری مطلع شد که مفسده عدم اطلاع مسئولین شرعاً اهم از مصلحت بیمار باشد اطلاع دادن جائز است . والله العالم

س 116 - شخصی سرطان دارد و طبیب می داند هر گونه اقدام در جهت معالجه او بی فایده است که اگر به بیمار و کسان وی اطلاع دهد گرچه ضربه روحی و صدمات روانی به آنان وارد می شود اما هزینه فراوانی هم برای معالجه صرف نمی کنند و طبیب هم مورد شکایت نسبت به کتمان بیماری قرار نمی گیرد و اگر اطلاع ندهد اموال فراوانی خرج معالجه می کنند که بی فائده خواهد بود و طبیب هم مورد اعتراض واقع می شود بفرمایید :

با توجه به اصراری که بیمار و کسانش در مورد دانستن واقعیت دارند تکلیف
طیب چیست ؟

ج 116 - در اینصورت گفتن واقعیت جائز است . والله العالم

س 117 - جوانی جهت ازدواج برای آزمایش به پزشک مراجعه می کند که
پزشک وی را دچار بیماری مُسری می یابد و یا متوجه می شود که او معتاد
است و در اینجا اگر پزشک واقعیت را برای دیگران که منتظر نتیجه آزمایش می
باشند بگوید ، پرده از روی راز پنهان بیمار برداشته که قطعاً طیب می داند برای
بیمار تبعات سوئی بدنبال خواهد داشت و اگر نگوید همسر آینده وی دچار
بیماری مُسری می شود و گرفتاری هایی پیدا می نماید و برای طیب هم دچار
درد سر ممکن است بشود بفرمایید تکلیف طیب چیست ؟

ج 117 - اگر زن یا کسان زنی که می خواهد با او ازدواج نماید به پزشک
مراجعه و با او مشورت می نماید باید به آنها بگوید و امانت در مشورت را
رعایت نماید و الاّ اطلاع ابتدائی به آنها لازم نمی باشد ولی دادن گواهی صحت
مزاج (برخلاف واقع) جائز نیست . والله العالم

س 118 - مبلغی پول در اختیار است که آن را می توان یا صرف مداوای
یک بیمار قلبی نمود و یا صرف 10 بیمار دیگر که به امراض دیگری مبتلا
هستند حال اگر بیمار قلبی را مداوا نماییم خواهد مرد و اگر مداوای بیماران
دیگر را رها سازیم دچار رنج های شدید و موجب پیشرفته تر شدن بیماری
آنان می گردد و راهی هم برای مداوای هیچ یک از بیماران فوق الذکر جز از

طریق خرج کردن این مبلغ پول وجود ندارد ، در این صورت تکلیف طیب
انتخاب کدام طرف می باشد ؟

ج 118 - واضح است پزشک و هر شخص دیگری باید طرفی را که موجب
نجات نفس محترمه از هلاکت می شود انتخاب نماید . والله العالم

س 119 - اگر پزشکی خطرناک بودن بیماری بیمار و ناامید بودنش را از
حیات بیمار ، به وی بگوید موجب نگرانی شدید روحی بیمار و کسان وی را
فراهم می نماید ، ولی از طرف دیگر برای گرفتن اذن از بیمار و کسان وی در
صورت نیاز به عمل جراحی گفتن آن لازم است و چه بسا موجب می شود
بیمار وصیت نماید و یا امانات مردم را به آنان رد نماید و کسب حلیت کند و
هم چنین پزشک هم مورد اعتراض بعدی بازماندگان بیمار نسبت به عدم اخبار
به آنان در مورد خطرناک بودن بیماری قرار نمی گیرد و چنانچه خطرناک بودن
بیماری را اطلاع ندهد ، صدمه روحی و فکری به بیمار وارد نمی شود - هر
چند تأثیری هم در جهت بهبودی مریض ندارد - ولی از طرف دیگر ممکن
است به خاطر وصیت نکردن حقوق افرادی از بین برود و پزشک هم مورد
اعتراض گروهی از جهت عدم اطلاع واقع نمی گردد ، بفرمائید اگر راه منحصر
به گفتن صریح خطرناک بودن بیمار و یا نگفتن باشد طیب چه باید بکند ؟

ج 119 - اگر سبب شدت عارضه بیمار و توجه خطر جانی به بیمار نمی
شود جایز است . والله العالم

فهرست مطالب

.	
3	مسائل مربوط به تشخیص و درمان.....
22	مسائل مربوط به هزینه درمان
24	مسائل مربوط به معاینات
30	مسائل مربوط به پیوند اعضا
34	مسائل مربوط به تشریح
40	مسائل مربوط به دوران بارداری
46	مسائل مربوط به عمل جراحی
48	مسائل مربوط به ضمان طیب
56	مسائل مربوط به نازائی
57	مسائل مربوط به حفظ جان
59	مسائل متفرقه
69	فهرست مطالب